

تقدیم به همسر مهربانم ...

## مقدمه

**چرا؟** محدودیت زمانی که دانش‌آموزان با آن مواجه هستند مشکلاتی را برای بسیاری از آن‌ها ایجاد می‌کند و مانع از آن می‌شود که بتوانند از کتاب‌های جامع و حجیم موجود به نحو شایسته‌ای بهره ببرند. اکثر دانش‌آموزان توانایی و اطلاعات آماری لازم برای مطالعه‌ی گزینشی کتاب‌های جامع و تبدیل آن‌ها به کتاب‌های کم‌حجم و خلاصه را ندارند. برخی از دانش‌آموزان به اجبار درس زبان را کنار می‌گذارند و یا مطالعه‌ی این درس را خیلی دیر شروع می‌کنند. به همین دلیل و با در نظر گرفتن نیازهای این دسته از دانش‌آموزان، انتشارات بین‌المللی گاج در صدد تألیف کتاب حاضر برآمد.

**کی؟** یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد این کتاب این است که هیچ‌وقت برای شروع آن زود یا دیر نیست! چینش درس به درس کتاب، استفاده از آن در طول سال را ممکن می‌کند و از طرف دیگر، خلاصه و کوتاه بودن کتاب، استفاده از آن در اواخر سال تحصیلی را میسر می‌سازد. اگر خواندن این کتاب را در اواخر سال تحصیلی شروع کرده‌اید و ممکن است فرصت کافی برای مطالعه‌ی کل کتاب نداشته باشید، توصیه می‌کنیم مباحث گرامری را بر اساس فهرست موضوعی که بعد از فهرست اصلی کتاب ارائه شده بخوانید.

**کی؟** دانش‌آموزانی که در طول سال وقت کم دارند و می‌خواهند بیشتر روی دروس تخصصی خود تمرکز کنند و با صرف حداقل زمان، حداکثر نتیجه را در درس زبان بگیرند؛ دانش‌آموزانی که درس زبان را دیر شروع کرده‌اند و می‌خواهند فقط مهم‌ترین مطالب را مفید و مختصر بخوانند؛ دانش‌آموزانی که زبان‌شان خیلی ضعیف است و نمی‌خواهند مطالب اضافه بخوانند و فقط می‌خواهند این درس را در حدی یاد بگیرند که بتوانند در کنکور گلیمشان را از آب بیرون بکشند؛ دانش‌آموزانی که زبان‌شان خیلی قوی است و نیازی به وقت گذاشتن برای این درس نمی‌بینند و فقط می‌خواهند با شیوه‌ی سؤالات کنکور و نکات مد نظر طراح سؤالات آشنا شوند؛ و یا دانش‌آموزانی که درس زبان را تمام کرده‌اند و می‌خواهند مهم‌ترین نکات را مرور و جمع‌بندی کنند. تمام این دانش‌آموزان می‌توانند مخاطبان این کتاب باشند.

**چگونه؟** در بخش گرامر، با خواندن دقیق نکات و قلق‌های توضیح داده شده و بررسی کامل پاسخ‌های تشریحی، به راحتی می‌توانید از پس تمام سؤالات این قسمت برآیید. در بخش واژگان، باید تمرین و تکرار فراوان داشته باشید تا لغاتی که فرا گرفته‌اید به دست فراموشی سپرده نشوند. پاسخ دادن به سؤالات بخش‌های کلوز تست و درک مطلب مستلزم داشتن مهارت‌های خاصی است. برای کسب این مهارت‌ها، به توصیه‌های مربوط به نحوه‌ی پاسخ‌گویی به سؤالات کلوز تست و درک مطلب که در درس ۱ پیش‌دانشگاهی ارائه شده، توجه ویژه داشته باشید. علاوه بر این، بعد از جواب دادن به سؤالات هر متن، حتماً پاسخ‌های تشریحی را با دقت بخوانید تا اگر مرتکب اشتباهی شدید از تکرار آن در متون و سؤالات بعدی جلوگیری شود.

موفق و پیروز باشید  
ارشاد عظیمی

## فهرست کتاب خط ویژه

- < درس ۱ پیش‌دانشگاهی ..... ۹
- < درس ۲ پیش‌دانشگاهی ..... ۲۷
- < درس ۳ پیش‌دانشگاهی ..... ۴۴
- < درس ۴ پیش‌دانشگاهی ..... ۵۷
- < درس ۵ پیش‌دانشگاهی ..... ۷۱
- < درس ۶ پیش‌دانشگاهی ..... ۸۲
- < درس ۷ پیش‌دانشگاهی ..... ۹۴
- < درس ۸ پیش‌دانشگاهی ..... ۱۱۱
- < درس ۱ سال سوم ..... ۱۳۰
- < درس ۲ سال سوم ..... ۱۳۵
- < درس ۳ سال سوم ..... ۱۳۸
- < درس ۴ سال سوم ..... ۱۴۴
- < درس ۵ سال سوم ..... ۱۴۸
- < درس ۶ سال سوم ..... ۱۵۵
- < کنکورهای سراسری ۹۵ ..... ۱۶۴

پیش  
دانشگاهی



حروف ربط کلماتی هستند که دو جمله را به هم وصل می‌کنند و یک جمله‌ی بزرگ‌تر می‌سازند. هر حرف ربط، کاربردهای خاص خودش را دارد و در جملات خاصی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد. برای جواب دادن به سؤالات این درس، باید با کاربردهای مختلف هر حرف ربط آشنا باشیم.

#### حروف ربط زمان

در کتاب درسی فقط دو حرف ربط زمان **when** و **as** توضیح داده شده‌اند، ولی در کنکور از حروف ربط **while** و **since** هم سؤال طرح می‌شود.  
**when**: این حرف ربط به معنی «وقتی» است و برای اشاره به دو عمل هم‌زمان (مثال ۱)، دو عمل متوالی و پشت سر هم (مثال ۲)، سن و سال در زمان گذشته (مثال ۳) و یا دو عمل هم‌زمان و تکرارشونده، یعنی دو عمل که همیشه هم‌زمان با هم انجام می‌شوند (مثال ۴) به کار می‌رود:

1. Reza called me **when** I was watching TV. وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند.)
2. I will tell him the news **when** I see him. وقتی او را ببینم آن خبر را به او خواهم گفت. (دیدن و گفتن خبر پشت سر هم هستند.)
3. Mina lived here **when** she was 5 years old. مینا وقتی ۵ ساله بود در این‌جا زندگی می‌کرد. (۵ ساله بودن سن و سال در زمان گذشته است.)
4. Children get happy **when** it snows. وقتی برف می‌بارد، بچه‌ها خوشحال می‌شوند. (برف باریدن و خوشحال شدن بچه‌ها همیشه هم‌زمان هستند.)

**as**: این حرف ربط می‌تواند برای اشاره به دو عمل هم‌زمان استفاده شود که در این کاربرد، به معنی «وقتی» است (مثال ۱). علاوه بر این، حرف ربط **as** می‌تواند به دو عمل که به نسبت هم تغییر می‌کنند اشاره داشته باشد که در این کاربرد، به معنی «هرچه، هرچقدر که» است و با صفات تفضیلی همراه می‌شود (مثال ۲):

1. Reza called me **as** I was watching TV. وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند.)
2. You get more experienced **as** you get older. هرچه سنت بالاتر می‌رود، باتجربه‌تر می‌شوی. (سن و تجربه به نسبت هم تغییر می‌کنند.)

**while**: این حرف ربط به معنی «وقتی» است و برای اشاره به دو عمل هم‌زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد:

Reza called me **while** I was watching TV. وقتی داشتم تلویزیون تماشا می‌کردم، رضا به من زنگ زد. (تلویزیون تماشا کردن و زنگ زدن هم‌زمان هستند.)

همان‌طور که می‌بینید، حروف ربط **when**، **as** و **while** هر سه می‌توانند برای اشاره به دو عمل هم‌زمان استفاده شوند. البته این سه حرف ربط، در همین کاربرد مشترکشان هم تفاوت‌هایی با هم دارند، ولی نیازی به دانستن این تفاوت‌ها نیست. در کنکور، وقتی جمله به دو عمل هم‌زمان اشاره داشته باشد، این سه حرف ربط را با هم در بین گزینه‌ها نمی‌آورند.

**since**: برای این‌که این حرف ربط زمان در تست‌های کنکور پاسخ صحیح باشد، باید جمله دو شرط داشته باشد. شرط اول: در صورت سؤال، جمله‌ای که حرف ربط بر سر آن نیامده در زمان حال کامل (have/has + p.p.) یا گذشته‌ی کامل (had + p.p.) باشد. شرط دوم: این حرف ربط که به معنی «از وقتی که» است، از لحاظ معنایی برای تکمیل جمله مناسب باشد:

**Since** I came back from holiday, I have been very busy. از وقتی که از تعطیلات برگشتم، خیلی سرم شلوغ بوده است.  
 We had not faced any problems **since** we started this job. ما از وقتی که این کار را شروع کردیم، با هیچ مشکلی مواجه نشده بودیم.

#### حروف ربط علت

همان‌طور که از اسم حروف ربط این دسته مشخص است، وقتی به کار می‌روند که بین دو جمله رابطه‌ی علت و معلولی وجود داشته باشد. وقتی تشخیص دادیم که یکی از دو جمله بیان‌کننده‌ی علت جمله‌ی دیگر است، برای وصل کردن آن‌ها باید از یکی از سه حرف ربط علت **because**، **since** یا **as** استفاده کنیم. این سه حرف ربط به معنی «چون» هستند و در حد کنکور، هیچ فرقی با هم ندارند:

We didn't enjoy the picnic **because/since/as** the weather was so bad. ما از پیکنیک لذت نبردیم چون هوا خیلی بد بود.

بعضی از حروف ربط در بیشتر از یک دسته قرار دارند. به عنوان مثال، از بین حروف ربطی که تا این‌جا خوانده‌ایم، **since** و **as** هم در دسته‌ی حروف ربط زمان هستند و هم در دسته‌ی حروف ربط علت. وقتی این حروف ربط را در بین گزینه‌ها می‌بینید، باید تمام کاربردهای آن‌ها را در ذهن داشته باشید تا دچار اشتباه نشوید.

#### حروف ربط شرط

از بین حروف ربط شرط مختلفی که در زبان انگلیسی وجود دارند، در کنکور فقط به یک حرف ربط نیاز داریم و آن حرف ربط شرط **whether** است که مهم‌ترین حرف ربط این درس در کنکور است. این حرف ربط معمولاً در ساختار «... or ... whether» به کار می‌رود و می‌تواند به معنی «چه ... چه ...» (مثال ۱) یا «که آیا ... یا ...» (مثال ۲) باشد:

1. You're going to be late **whether** you go by bus **or** train.

شما دیر خواهید رسید، چه با اتوبوس بروید چه با قطار.

2. I haven't decided **whether** I should go **or** stay.

من تصمیم نگرفته‌ام که آیا باید بروم یا بمانم.

گاهی اوقات می‌توانیم در ساختار «whether ... or ...» به جای نقطه‌چین دوم not بیاوریم: «whether ... or not». در این صورت، وقتی که این ساختار به معنی «که آیا ... یا ...» باشد، می‌توانیم or not را از جمله حذف کنیم. ولی وقتی که این ساختار به معنی «چه ... چه ...» باشد، or not قابل حذف نیست:

You have to study this book **whether** you like it **or not**.

شما باید این کتاب را بخوانید، چه دوست داشته باشید چه نداشته باشید.

I don't know **whether** I should call him **or not**.

من نمی‌دانم که آیا باید به او زنگ بزنم یا نه.

I don't know **whether** I should call him.

من نمی‌دانم که آیا باید به او زنگ بزنم (یا نه).



### قلق‌های تست‌زنی

**۱** وقتی در بین گزینه‌ها بیشتر از یک حرف ربط علت به کار رفته باشد، می‌فهمیم که حروف ربط علت نمی‌توانند جواب سؤال باشند، وگرنه سؤال بیشتر از یک جواب صحیح خواهد داشت. یعنی اگر because, since, and یا با هم در بین گزینه‌ها آمده باشند (یا دو تا از آن‌ها آمده باشند)، because خود به خود حذف می‌شود چون تنها نقش آن حرف ربط علت است (تست‌های ۳، ۶ و ۸). اما since و as حذف نمی‌شوند چون ممکن است در نقش حرف ربط زمان به کار رفته باشند. ولی در مورد since و as هم کارمان راحت‌تر می‌شود، چون می‌دانیم که جواب سؤال حرف ربط علت نیست و فقط کافی است نقش زمانی آن‌ها را بررسی کنیم (تست‌های ۲، ۵، ۷ و ۹).

**۲** وقتی بعد از نقطه‌چین or داشته باشیم، به احتمال خیلی زیاد جواب صحیح whether است، چون این حرف ربط معمولاً در ساختار «whether ... or ...» به کار می‌رود. برای این‌که مطمئن شویم که حرف ربط whether برای تکمیل جمله مناسب است، بهتر است یک بار هم جمله را از لحاظ معنایی چک کنیم (تست‌های ۵، ۷، ۸ و ۹). ولی اگر بعد از نقطه‌چین or not داشته باشیم، دیگر جای هیچ‌شکی باقی نمی‌ماند و می‌توانیم با خیال راحت whether را انتخاب کنیم.

دقت داشته باشید که نباید برعکس این نکته را استفاده کنیم! گفتیم آمدن or بعد از نقطه‌چین نشان می‌دهد که احتمالاً جواب صحیح whether است، ولی نیامدن or باعث حذف whether نمی‌شود، چون همان‌طور که در توضیحات درس گفتیم، وقتی که whether به معنی «که آیا ... یا ...» باشد، می‌توانیم or not را از جمله حذف کنیم. بنابراین ممکن است بعد از نقطه‌چین or نداشته باشیم و جواب صحیح whether باشد.

**۳** اگر در تست‌های گرامر کنکور، کلماتی غیر از حروف ربطی که در درس‌نامه توضیح دادیم در گزینه‌ها بیایند، می‌توانیم بدون بررسی آن‌ها را خط بزنیم، چون جزء مبحث گرامری درس نیستند و نمی‌توانند پاسخ صحیح باشند (تست‌های ۱ و ۶). البته این نکته مخصوص سؤالات بخش گرامر است و نباید در سؤالات گرامری که در قسمت کلوژ تست می‌آیند از آن استفاده کنیم. در کلوژ تست هر کلمه‌ای ممکن است جواب صحیح باشد.

**۴** وقتی جمله‌ی بدون حرف ربط (یعنی جمله‌ای که نقطه‌چین ندارد) در زمان حال کامل یا گذشته‌ی کامل باشد، شک می‌کنیم که احتمالاً کاربرد زمانی since مد نظر طراح سؤال بوده است. برای این‌که این شک به یقین تبدیل شود، باید معنی جمله را چک کنیم تا ببینیم که حرف ربط since به معنی «از وقتی که» به جمله می‌خورد یا نه (تست ۱).

**۵** وقتی در جمله به سن و سال در زمان گذشته اشاره شده باشد، متوجه می‌شویم که احتمالاً کاربرد سوم when مد نظر است و طبق معمول، برای کسب اطمینان از چک معنایی جمله استفاده می‌کنیم (تست ۲).

### تست‌های گرامر

در تست‌های مربوط به مبحث حروف ربط، در بین گزینه‌ها از حروف ربط مطلق استفاده می‌شود که بعضی از آن‌ها را هنوز نخوانده‌ایم و در درس‌های ۵، ۶ و ۷ با آن‌ها آشنا خواهیم شد. برای این‌که بتوانید از تست‌های کنکورهای سال‌های گذشته بیشترین بهره را ببرید، در این درس فقط آن دسته از تست‌های کنکور را که تمامی گزینه‌های آن‌ها از درس اول هستند آورده‌ایم. بقیه‌ی تست‌ها را در لابه‌لای تست‌های درس ۷ خواهیم دید.

1. I have to talk to the manager, ..... he has free time to see me or not.

سراسری انسانی ۹۴

- 1) as                                      2) while                                      3) since                                      4) whether

2. We have completed ten items ..... we started doing this exercise.

سراسری خارج از کشور ۹۱

- 1) when                                      2) since                                      3) enough                                      4) whether

3. .... she was 18 years old, she entered the order of the Sisters of Our Lady of Loreto, in India.

- 1) When                                      2) As                                      3) Since                                      4) Whether

سراسری ریاضی ۹۰

4. He always listens to the radio ..... driving his car.

سراسری تجربی ۹۰

- 1) while                      2) since                      3) whether                      4) because

5. If you want to be successful, these are the steps you need to take whether you like it .....

سراسری انسانی ۹۰

- 1) or you not                      2) not                      3) does not                      4) or not

6. I asked him ..... he had done it all by himself or someone had helped him.

سراسری هنر ۸۹

- 1) as                      2) since                      3) when                      4) whether

7. Carlos had lots of free time and read a lot of books and magazines ..... he was in London.

سراسری تجربی ۸۷

- 1) because                      2) while                      3) during                      4) since

8. .... we tell her now or later, she is not going to be pleased.

سراسری انسانی ۸۷

- 1) As                      2) Since                      3) Whether                      4) When

9. .... we go by plane or train, we won't get there on time.

سراسری خارج از کشور ۸۷

- 1) Whether                      2) Because                      3) When                      4) Since

10. The question is ..... it would be safer to leave them there or in the car.

سراسری خارج از کشور ۸۶

- 1) as                      2) since                      3) when                      4) whether

### پاسخ تست‌های گرامر

۱ ۴ من باید با مدیر صحبت کنم، چه وقت آزاد برای دیدن من داشته باشد، چه نداشته باشد.

کاربرد اول whether مد نظر است و بعد از نقطه‌چین or not به کار رفته است.

۲ ۲ از وقتی که انجام این تمرین را شروع کردیم، ده مورد را کامل کرده‌ایم.

جمله‌ی بدون حرف ربط (We have completed ...) در زمان حال کامل آمده است. این موضوع نشان می‌دهد که احتمالاً حرف ربط زمان since پاسخ صحیح است. برای این‌که از نظر معنایی جمله را چک کنیم، باید در جای خالی «از وقتی که» بگذاریم. با انجام این کار متوجه می‌شویم که حرف ربط since از نظر معنایی هم برای تکمیل این جمله مناسب است. کلمه‌ی enough که در گزینه‌ی ۳ آمده اصلاً حرف ربط نیست و به مبحث این درس ربطی ندارد. پس به راحتی می‌توانیم آن را حذف کنیم.

۳ ۱ وقتی او ۱۸ ساله بود، به فرقه‌ی خواهران لورتو در هند پیوست.

این سؤال بخشی از یک متن کلوز تست است. چون بعد از نقطه‌چین درباره‌ی سن و سال در زمان گذشته صحبت شده، حتی اگر معنی بقیه‌ی جمله را متوجه نشویم، به راحتی می‌توانیم بفهمیم که در جای خالی باید از حرف ربط when استفاده کنیم. چون since و as هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند و فقط کافی است نقش زمانی since و as را بررسی کنیم.

۴ ۱ او همیشه وقتی ماشینش را می‌راند به رادیو گوش می‌دهد.

because و since هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، پس حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند. بنابراین because بلافاصله حذف می‌شود و در مورد since هم فقط باید نقش زمانی آن را بررسی کنیم. با توجه به این‌که جمله‌ی بدون حرف ربط (He always listens ...) در زمان حال ساده است، نه حال کامل یا گذشته‌ی کامل، since هم نمی‌تواند جواب صحیح باشد. دو عمل مطرح شده در صورت سؤال (گوش دادن به رادیو و راندن ماشین) به‌طور هم‌زمان انجام شده‌اند و در بین گزینه‌ها، فقط حرف ربط while می‌تواند برای این منظور استفاده شود.

۵ ۴ اگر می‌خواهید موفق باشید، این‌ها قدم‌هایی هستند که باید بردارید، چه دوست داشته باشید، چه نداشته باشید.

این سؤال هم از یک متن کلوز تست انتخاب شده است. شاید بتوان گفت که این سؤال، آسان‌ترین سؤالی است که می‌شود در مورد کاربرد حرف ربط شرط whether طرح کرد! همان‌طور که در توضیحات درس گفتیم، در ساختار «... or ... whether» خیلی وقت‌ها در نقطه‌چین دوم not می‌آید. در این سؤال هم به همین شکل آمده و برای تکمیل جمله، باید گزینه‌ی ۴ را در جای خالی قرار دهیم.

۶ ۴ از او پرسیدم که آیا همه‌ی آن را به تنهایی انجام داده یا کسی کمکش کرده است.

آمدن or در ادامه‌ی جمله بعد از نقطه‌چین نشان می‌دهد که احتمالاً پاسخ این سؤال حرف ربط whether است. چک معنایی جمله هم نشان می‌دهد که این حرف ربط برای تکمیل جمله مناسب است. چون since و as هر دو در بین گزینه‌ها آمده‌اند، حروف ربط علت نمی‌توانند پاسخ این سؤال باشند و در صورت لزوم، فقط کافی است نقش زمانی since و as را بررسی کنیم.





## Vocabulary

واژگان هر درس در سه بخش مجزا و بر اساس میزان اهمیت واژگان در کنکور ارائه شده‌اند. ملک قرارگیری هر واژه در هر بخش، تکرار دفعاتی بوده که واژه‌ی مورد نظر در گزینه‌های تست‌های کنکور به کار رفته است. بخش ۱ شامل مهم‌ترین واژگان است و بخش ۳ واژگانی را دربردارد که کمترین اهمیت را از لحاظ کنکوری دارند. بنابراین اگر با مروریت زمانی مواجه هستید، بهتر است بیشتر وقت و انرژی خود را روی واژگان بخش‌های ۱ و ۲ متمرکز کنید و واژگان بخش ۳ را در اولویت بعری قرار دهید. البته واژگان بخش ۳ نیز در صورت سؤالات مفتلف و متن‌های کنکور به کار می‌روند و «کم‌اهمیت» بودن آن‌ها به معنی «بی‌اهمیت» بودنشان نیست!

### بخش ۱

<b>bend</b> / v.	خم کردن؛ خم شدن	<b>nutrient</b> / n.	ماده‌ی غذایی
<b>carry</b> / v.	حمل کردن، بردن	<b>protect</b> / v.	محافظت کردن از؛ حمایت کردن از
<b>combine</b> / v.	ترکیب کردن؛ ترکیب شدن	<b>proud</b> / adj.	سربلند؛ مغرور
<b>condition</b> / n.	شرط؛ وضعیت؛ (در جمع) شرایط، اوضاع	<b>reasonable</b> / adj.	معقول، منطقی
<b>create</b> / v.	به وجود آوردن؛ خلق کردن	<b>reasonably</b> / adv.	به‌طور قابل قبولی؛ به‌طور منطقی
<b>define</b> / v.	تعریف کردن، معنی کردن، توضیح دادن	<b>recognize</b> / v.	شناختن؛ تشخیص دادن؛ درک کردن
<b>definition</b> / n.	تعریف	<b>regular</b> / adj.	منظم؛ عادی؛ (دستور) باقاعده
<b>efficient</b> / adj.	مؤثر، کارآمد	<b>release</b> / v.	آزاد کردن؛ ساطع کردن
<b>efficiently</b> / adv.	به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی	<b>rely on</b> / v.	وابسته بودن به، متکی بودن به؛ حساب کردن روی
<b>especially</b> / adv.	مخصوصاً، به‌خصوص	<b>repetitive</b> / adj.	تکراری، یکنواخت
<b>experience</b> / n. v.	تجربه؛ تجربه کردن	<b>store</b> / v.	ذخیره کردن، انبار کردن
<b>express</b> / v.	بیان کردن، ابراز کردن	<b>stretch</b> / v.	دراز کردن، کشی دادن؛ امتداد داشتن
<b>flexible</b> / adj.	انعطاف‌پذیر	<b>summarize</b> / v.	خلاصه کردن
<b>increase</b> / n. v.	افزایش؛ افزایش یافتن، افزایش دادن	<b>support</b> / n. v.	حمایت؛ حمایت کردن از؛ تأیید کردن
<b>instruct</b> / v.	دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به)	<b>trouble</b> / n.	مشکل، دردسر

### بخش ۲

<b>achievement</b> / n.	موفقیت، دستاورد	<b>excellent</b> / adj.	عالی، فوق‌العاده
<b>active</b> / adj. n.	فعال، پرجنب‌وجوش؛ (دستور) معلوم	<b>exemplify</b> / v.	نمونه‌ی ... بودن؛ مثال زدن برای
<b>actively</b> / adv.	فعالانه، به‌طور فعالی	<b>exercise</b> / n. v.	ورزش، تمرین؛ ورزش کردن، تمرین کردن
<b>along</b> / prep. adv.	در طول، در امتداد؛ (به) جلو	<b>extra</b> / adj.	اضافی، بیشتر
<b>blood</b> / n.	خون	<b>focus</b> / n. v.	تمرکز، توجه؛ متمرکز کردن، توجه کردن
<b>bother</b> / n. v.	اذیت؛ اذیت کردن	<b>fuel</b> / n.	سوخت
<b>cell</b> / n.	سلول	<b>give up</b> / phr v.	ترک کردن، دست برداشتن از
<b>decision</b> / n.	تصمیم	<b>in addition</b>	علاوه بر این، از این گذشته
<b>deeply</b> / adv.	عمیقاً؛ شدیداً، بسیار	<b>injury</b> / n.	آسیب؛ زخم
<b>disagree</b> / v.	مخالف بودن، مخالفت کردن	<b>join</b> / v.	ملحق شدن به؛ (به هم) وصل کردن
<b>discuss</b> / v.	بحث کردن درباره‌ی، صحبت کردن درباره‌ی	<b>joint</b> / n.	مفصل
<b>energy</b> / n.	انرژی	<b>lift</b> / v.	بلند کردن، برداشتن



<b>matter</b> / n. v.	موضوع؛ ماده؛ مهم بودن	<b>personal</b> / adj.	شخصی، خصوصی
<b>mention</b> / v.	اشاره کردن به، گفتن	<b>personally</b> / adv.	شخصاً؛ به طور شخصی
<b>muscle</b> / n.	عضله، ماهیچه	<b>shape</b> / n.	شکل
<b>national</b> / adj.	ملی؛ عمومی، همگانی	<b>unexpected</b> / adj.	غیرمنتظره، دور از انتظار
<b>operation</b> / n.	عمل جراحی؛ کار، عمل؛ عملیات	<b>vessel</b> / n.	رگ
<b>opinion</b> / n.	عقیده، نظر	<b>weigh</b> / v.	وزن داشتن؛ وزن کردن
<b>perfectly</b> / adv.	کاملاً، به طور کامل؛ عالی	<b>weight</b> / n.	وزن؛ وزنه

### بفش ۳

<b>a bit</b>	کمی، تا حدودی	<b>freezer</b> / n.	فریزر، جایخی
<b>adapt</b> / v.	اقتباس کردن (از)؛ سازگار کردن	<b>fresh</b> / adj.	تازه
<b>aerobic</b> / adj.	اروئیک	<b>get off</b> / phr v.	پایاده شدن
<b>aerobics</b> / n.	ورزش اروئیک	<b>grandpa</b> / n.	بابابزرگ
<b>alive</b> / adj.	زنده	<b>gym</b> / n.	ژیمناستیک؛ سالن ورزش
<b>anymore</b> / adv.	دیگر، بیش از این	<b>harm</b> / n.	صدمه، آسیب
<b>as soon as possible</b>	در اسرع وقت، هرچه زودتر	<b>headache</b> / n.	سردرد
<b>bike</b> / n.	دوچرخه	<b>heading</b> / n.	عنوان، سرفصل
<b>bone</b> / n.	استخوان	<b>heart</b> / n.	قلب
<b>bony</b> / adj.	استخوانی	<b>historic</b> / adj.	تاریخی؛ مهم، برجسته
<b>boss</b> / n.	رئیس	<b>i.e. (that is)</b>	یعنی، به عبارت دیگر
<b>breath</b> / n.	نفس	<b>intestine</b> / n.	روده
<b>breathe</b> / v.	نفس کشیدن، تنفس کردن	<b>irregular</b> / adj.	(دستور) بی قاعده
<b>burn up</b> / phr v.	به کلی سوزاندن، به کلی سوختن	<b>item</b> / n.	بخش؛ مورد؛ چیز
<b>calorie</b> / n.	کالری	<b>kid</b> / n.	بچه
<b>chest</b> / n.	قفسه‌ی سینه، سینه	<b>known</b> / adj.	شناخته شده، معروف
<b>check</b> / n. v.	بازبینی، بررسی؛ بازبینی کردن، بررسی کردن	<b>Korea</b> / n.	(کشور) کره
<b>club</b> / n.	باشگاه، کلوب	<b>lawyer</b> / n.	وکیل
<b>digest</b> / n.	خلاصه، چکیده	<b>light</b> / adj.	سبک؛ خفیف؛ (رنگ) روشن
<b>doorbell</b> / n.	زنگ در	<b>liver</b> / n.	کبد، جگر
<b>endorphin</b> / n.	آندورفین	<b>living</b> / adj. n.	زنده؛ زندگی
<b>entire</b> / adj.	تمام، همهی	<b>lonely</b> / adj.	تنها، بی کس
<b>face</b> / n. v.	صورت، سطح؛ رو به ... بودن، روبه رو شدن با	<b>lung</b> / n.	ریه، شش
<b>failure</b> / n.	شکست، عدم موفقیت؛ (موتور) خرابی	<b>match</b> / n. v.	کبریت؛ مسابقه؛ (با هم) جفت کردن
<b>familiar</b> / adj.	آشنا، شناخته شده	<b>meaning</b> / n.	معنی، مفهوم
<b>fat</b> / adj. n.	چاق؛ چربی	<b>meat</b> / n.	گوشت
<b>feel like</b>	دوست داشتن، مایل بودن	<b>medical</b> / adj.	(مربوط به) پزشکی
<b>fit</b> / adj.	مناسب؛ سالم، تندرست	<b>missing</b> / adj.	گم شده؛ جا افتاده
<b>flexibly</b> / adv.	با انعطاف، به طور قابل انعطافی	<b>neither ... nor ...</b> / conj.	نه ... نه ...

on one's own	به تنهایی، تنها	stair / n.	پله، (در جمع) پلکان
organ / n.	اندام، عضو	stomach / n.	شکم؛ معده
originate / v.	نشأت گرفتن	Sweden / n.	سوئد
partner / n.	شریک؛ (مسابقه و غیره) یار	tiredness / n.	خستگی
potentiality / n.	استعداد، توانایی	toe / n.	انگشت پا
prize / n.	جایزه	unable / adj.	ناتوان، عاجز
pump / v.	تلمبه کردن، پمپاژ کردن	understanding / n.	درک، فهم
self-reliance / n.	اتکا به خود، اعتماد به نفس	unhappy / adj.	ناراحت، غمگین
sing / v.	آواز خواندن	unknown / adj.	ناشناخته، نامعلوم
skin / n.	پوست	waste / n. v.	اتلاف؛ آشغال؛ تلف کردن
skull / n.	جمجمه	western / adj.	غربی
somebody / pron.	کسی، یک نفر	workshop / n.	کارگاه
spoil / v.	فاسد شدن، خراب شدن		

### تست‌های واژگان

در گزینه‌های تست‌های واژگان کتکور، از واژگان تمام درس‌های کتاب درسی استفاده می‌شود. یعنی در این سوالات، واژگانی وجود دارند که هنوز آن‌ها را نخوانده‌اید و قرار است در درس‌های بعدی با آن‌ها آشنا شوید. برای این‌که این موضوع لطمه‌ای به روند آموزشی کتاب وارد نکند، گزینه‌های نادرستی را که مربوط به درس‌های جلوتر بودند تغییر دادیم تا بار آموزشی و همچنین سنجشی این تست‌ها به مراتب بالاتر رود.

- Our plans are very ..... , so we can meet you either on Wednesday or on Thursday. سراسری تجربی ۹۴  
 1) active                      2) flexible                      3) actual                      4) extra
- Ali and Mahdi run a large company together and are very good business ..... . سراسری انسانی ۹۴  
 1) winners                      2) lawyers                      3) partners                      4) matters
- I haven't been to China ..... , but I have read a lot of books about its culture and people. سراسری انسانی ۹۴  
 1) entirely                      2) personally                      3) immediately                      4) internationally
- Breathing involves taking air into one's ..... and sending it out again. سراسری هنر ۹۴  
 1) muscles                      2) vessels                      3) joints                      4) lungs
- A teacher often feels ..... his students when they work hard and achieve something important. سراسری زبان ۹۴  
 1) proud of                      2) familiar with                      3) fresh from                      4) unable to
- The tubes that carry liquid, especially blood through the body are called ..... . سراسری زبان ۹۴  
 1) joints                      2) vessels                      3) muscles                      4) lungs
- The company is in trouble because they are responsible for ..... dangerous chemicals into the river. سراسری زبان ۹۴  
 1) bothering                      2) releasing                      3) accepting                      4) preparing
- It is ..... to assume that he knew beforehand that this would take place. سراسری تجربی ۹۳  
 1) regular                      2) responsible                      3) flexible                      4) reasonable
- We humans get our ..... from what we eat; plants get theirs from the soil. سراسری انسانی ۹۳  
 1) matters                      2) nutrients                      3) achievements                      4) experiences
- When he finally graduated, Victor felt he had ..... everything he set out to do. سراسری انسانی ۹۳  
 1) combined                      2) expressed                      3) achieved                      4) suggested
- We need a secretary who is really ..... in managing the office and making it run well. سراسری تجربی ۹۲  
 1) efficient                      2) regular                      3) national                      4) personal

- 12. If we do not find a good solution for the problem now, we will be ..... up trouble for ourselves in the near future.**  
 1) lifting                      2) calling                      3) joining                      4) storing                      ۹۲ سراسری انسانی
- 13. They found a rock with gold in it, ..... buried in the earth's surface.**  
 1) straightly                      2) efficiently                      3) rapidly                      4) deeply                      ۹۲ سراسری انسانی
- 14. Machines can now perform many ..... tasks in the home.**  
 1) reasonable                      2) responsible                      3) mental                      4) repetitive                      ۹۲ سراسری هنر
- 15. Something is really worrying me, but I can't ..... exactly what it is.**  
 1) experience                      2) handle                      3) define                      4) release                      ۹۲ سراسری زبان
- 16. Basically, the article can be ..... into a few sentences.**  
 1) combined                      2) stretched                      3) supported                      4) summarized                      ۹۲ سراسری خارج از کشور
- 17. Recently, she has been working ..... hours to save for the holiday she is going on in summer.**  
 1) extra                      2) repetitive                      3) emotional                      4) necessary                      ۹۲ سراسری خارج از کشور
- 18. No one believed what he said; his excuse was not ..... .**  
 1) available                      2) reasonable                      3) recent                      4) efficient                      ۹۱ سراسری ریاضی
- 19. I believe children must be ..... in road safety.**  
 1) instructed                      2) protected                      3) expressed                      4) bothered                      ۹۱ سراسری انسانی
- 20. It was no surprise that she wasn't able to ..... me at first; after all, we hadn't met each other for a long time.**  
 1) define                      2) imagine                      3) recognize                      4) join                      ۹۱ سراسری زبان
- 21. The results of the research are ..... at the end of the chapter.**  
 1) summarized                      2) stretched                      3) increased                      4) created                      ۹۰ سراسری هنر
- 22. I ..... think she should be blamed for the difficulties she had been having.**  
 1) personally                      2) powerfully                      3) perfectly                      4) actively                      ۸۹ سراسری تجربی
- 23. How well the crops will grow depends on the quality and ..... of the soil.**  
 1) definition                      2) condition                      3) information                      4) competition                      ۸۹ سراسری زبان
- 24. Our professor asked me how I would ..... happiness.**  
 1) define                      2) insist                      3) release                      4) lift                      ۸۹ سراسری خارج از کشور
- 25. He ..... his job to find a better one.**  
 1) separated                      2) gave up                      3) disliked                      4) burned up                      ۸۸ سراسری تجربی
- 26. I ..... think it is too cold to go out today.**  
 1) briefly                      2) previously                      3) heavily                      4) personally                      ۸۸ سراسری انسانی
- 27. Physical exercise can ..... you against heart diseases.**  
 1) bend                      2) create                      3) protect                      4) improve                      ۸۸ سراسری هنر
- 28. Her food ..... Iranian cooking at its best.**  
 1) suggests                      2) experiences                      3) supports                      4) exemplifies                      ۸۸ سراسری هنر
- 29. Smoking ..... your chances of getting cancer.**  
 1) instructs                      2) produces                      3) increases                      4) releases                      ۸۸ سراسری زبان
- 30. Don't buy that car! Its engine doesn't work ..... .**  
 1) efficiently                      2) flexibly                      3) briefly                      4) previously                      ۸۸ سراسری زبان
- 31. Our plans need to be ..... enough to provide the needs of everyone.**  
 1) physical                      2) repetitive                      3) flexible                      4) emotional                      ۸۷ سراسری ریاضی

32. He is very ..... involved in the formation of local libraries.

سراسری انسانی ۸۷

- 1) similarly                      2) actively                      3) previously                      4) silently

33. You must find a more ..... way of organizing your time.

سراسری هنر ۸۷

- 1) medical                      2) efficient                      3) central                      4) repetitive

34. The cost of the project has greatly ..... since its construction.

سراسری خارج از کشور ۸۷

- 1) released                      2) completed                      3) increased                      4) performed

35. We all know that Mrs. Smith is a good manager and runs her business very .....

سراسری ریاضی ۸۷

- 1) previously                      2) efficiently                      3) straightly                      4) personally

36. You will lose weight and become weak unless you receive all the ..... your body needs.

سراسری زبان ۸۶

- 1) qualities                      2) functions                      3) operations                      4) nutrients

37. He did his best to ..... his arm to reach the apple, but he couldn't.

سراسری زبان ۸۶

- 1) carry                      2) increase                      3) stretch                      4) release

38. Two people talking together to reach an agreement can more easily achieve their goal if they are a bit .....

سراسری زبان ۸۶

- 1) flexible                      2) mental                      3) healthy                      4) proud

### پاسخ‌تست‌های واژگان

- ۱ ۲ برنامه‌های ما خیلی انعطاف‌پذیر هستند، بنابراین ما می‌توانیم در روز چهارشنبه یا پنج‌شنبه شما را ملاقات کنیم.  
 (۱) فعال                      (۲) انعطاف‌پذیر                      (۳) واقعی                      (۴) اضافی
- ۲ ۳ علی و مهدی یک شرکت بزرگ را با هم اداره می‌کنند و شریک‌های تجاری خیلی خوبی هستند.  
 (۱) برنده‌ها                      (۲) وکیل‌ها                      (۳) شریک‌ها                      (۴) موضوع‌ها، ماده‌ها
- ۲ ۳ من شخصاً به چین نرفته‌ام، ولی کتاب‌های زیادی درباره‌ی فرهنگ و مردم آن خوانده‌ام.  
 (۱) کاملاً                      (۲) شخصاً                      (۳) فوراً                      (۴) به‌طور بین‌المللی
- خود قید personally (شخصاً) در کتاب درسی نیامده، ولی صفت personal (شخصی) در کتاب درسی به کار رفته است. در این سؤال این صفت پسوند -ly گرفته و به قید تبدیل شده است.
- ۴ ۴ نفس کشیدن شامل بردن هوا به درون ریه‌های خود و دوباره بیرون فرستادن آن است.  
 (۱) عضلات                      (۲) رگ‌ها                      (۳) مفصل‌ها                      (۴) ریه‌ها
- ۱ ۵ یک معلم اغلب به دانش‌آموزانش افتخار می‌کند وقتی که آن‌ها سخت کار می‌کنند و به چیز مهمی دست می‌یابند.  
 (۱) سربلند از                      (۲) آشنا با                      (۳) تازه از                      (۴) ناتوان به
- ۲ ۶ لوله‌هایی که مایعات، به‌خصوص خون را در بدن منتقل می‌کنند رگ نامیده می‌شوند.  
 (۱) مفصل‌ها                      (۲) رگ‌ها                      (۳) عضلات                      (۴) ریه‌ها
- ۲ ۷ آن شرکت با مشکل مواجه است چون آن‌ها مسئول آزاد کردن مواد شیمیایی خطرناک در رودخانه هستند.  
 (۱) اذیت کردن                      (۲) آزاد کردن                      (۳) قبول کردن                      (۴) آماده کردن
- ۴ ۸ منطقی است که این‌طور تصور شود که او از قبل می‌دانست این اتفاق خواهد افتاد.  
 (۱) منظم، عادی                      (۲) مسئول                      (۳) انعطاف‌پذیر                      (۴) منطقی، معقول
- ۲ ۹ ما انسان‌ها مواد غذایی خود را از آن‌چه که می‌خوریم به دست می‌آوریم؛ گیاهان مواد غذایی خود را از خاک به دست می‌آورند.  
 (۱) موضوع‌ها، ماده‌ها                      (۲) مواد غذایی                      (۳) موفقیت‌ها، دستاوردها                      (۴) تجربه‌ها
- ۳ ۱۰ وقتی که ویکتور بالاخره فارغ‌التحصیل شد، احساس می‌کرد به هر آن‌چه (برای رسیدن به آن) اقدام کرده، دست یافته بود.  
 (۱) ترکیب کردن                      (۲) بیان کردن                      (۳) دست یافتن                      (۴) پیشنهاد کردن
- خود فعل achieve (دست یافتن به، رسیدن به) در کتاب درسی نیامده، ولی اسم achievement (موفقیت، دستاورد) در صفحات ابتدایی کتاب درسی پیش‌دانشگاهی به کار رفته و بنابراین داخل کتاب محسوب می‌شود. در این سؤال، پسوند -ment از انتهای اسم achievement حذف شده و این اسم به ریشه‌ی خود، یعنی فعل achieve تبدیل شده است.

- ۱۱ ۱ ما به یک منشی احتیاج داریم که در اداره کردن دفتر و به خوبی به کار انداختن آن واقعاً کارآمد باشد.
- ۱) مؤثر، کارآمد (۲) منظم؛ عادی (۳) ملی؛ عمومی (۴) شخصی، خصوصی
- ۱۲ ۴ اگر الان یک راه حل خوب برای این مشکل پیدا نکنیم، برای خودمان در آینده نزدیک در دسر ذخیره خواهیم کرد (در آینده‌ی نزدیک به دسر خواهیم افتاد).
- ۱) بلند کردن، برداشتن (۲) تلفن کردن (به)
- ۳) ملحق شدن به (۴) ذخیره کردن، انبار کردن
- ۱۳ ۴ آن‌ها یک سنگ که در آن طلا بود پیدا کردند که عمیقاً در سطح زمین دفن شده بود.
- ۱) مستقیم، صاف (۲) به طور مؤثری، به طرز کارآمدی
- ۳) به سرعت، سریعاً (۴) عمیقاً؛ شدیداً
- ۱۴ ۴ ماشین‌ها الان می‌توانند بسیاری از کارهای تکراری را در خانه انجام دهند.
- ۱) معقول، منطقی (۲) مسئول (۳) ذهنی، روانی (۴) تکراری، یکنواخت
- ۱۵ ۳ چیزی واقعاً مرا نگران کرده است، ولی نمی‌توانم توضیح دهم که دقیقاً چیست.
- ۱) تجربه کردن (۲) کنترل کردن، از عهده‌ی ... برآمدن
- ۳) تعریف کردن، توضیح دادن (۴) آزاد کردن؛ ساطع کردن
- ۱۶ ۴ اساساً، این مقاله می‌تواند در چند جمله خلاصه شود.
- ۱) ترکیب کردن؛ ترکیب شدن (۲) دراز کردن، کش دادن
- ۳) حمایت کردن از (۴) خلاصه کردن
- ۱۷ ۱ او اخیراً ساعات بیشتری را مشغول کار کردن بوده است (مشغول انجام اضافه‌کاری بوده است) تا برای تعطیلاتی که در تابستان خواهد رفت پس‌انداز کند.
- ۱) اضافی، بیشتر (۲) تکراری، یکنواخت
- ۳) احساسی، عاطفی (۴) لازم، ضروری
- ۱۸ ۲ هیچ‌کس آنچه را که او گفت باور نکرد؛ بهانه‌ی او منطقی نبود.
- ۱) موجود، در دسترس (۲) معقول، منطقی (۳) اخیر، جدید (۴) مؤثر، کارآمد
- ۱۹ ۱ من معتقدم که باید به بچه‌ها در زمینه‌ی امنیت جاده آموزش داده شود.
- ۱) دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به) (۲) محافظت کردن از
- ۳) بیان کردن، ابراز کردن (۴) اذیت کردن
- ۲۰ ۳ تعجبی نداشت که او در ابتدا نتوانست مرا بشناسد؛ هرچه باشد ما مدت زیادی بود که همدیگر را ندیده بودیم.
- ۱) تعریف کردن، توضیح دادن (۲) تصور کردن
- ۳) شناختن؛ تشخیص دادن (۴) ملحق شدن به
- ۲۱ ۱ نتایج تحقیق در انتهای فصل خلاصه شده‌اند.
- ۱) خلاصه کردن (۲) دراز کردن، کش دادن
- ۳) افزایش یافتن، افزایش دادن (۴) به وجود آوردن؛ خلق کردن
- ۲۲ ۱ من شخصاً فکر می‌کنم که (خود) او باید به خاطر مشکلاتی که داشته است سرزنش شود.
- ۱) شخصاً؛ به طور شخصی (۲) با قدرت (۳) کاملاً، به طور کامل (۴) فعالانه، به طور فعالی
- خود قید personally (شخصاً؛ به طور شخصی) در کتاب درسی نیامده، ولی صفت personal (شخصی، خصوصی) در کتاب درسی به کار رفته است.
- در این سؤال این صفت پسوند -ly گرفته و به قید تبدیل شده است.
- ۲۳ ۲ این‌که محصولات چقدر خوب رشد خواهند کرد به کیفیت و وضعیت خاک بستگی دارد.
- ۱) تعریف (۲) شرط؛ وضعیت (۳) اطلاعات (۴) رقابت، مسابقه
- ۲۴ ۱ استادمان از من پرسید که شادی را چطور تعریف می‌کنم.
- ۱) تعریف کردن، معنی کردن (۲) اصرار کردن، اصرار داشتن
- ۳) آزاد کردن؛ ساطع کردن (۴) بلند کردن، برداشتن
- ۲۵ ۲ او شغلش را ترک کرد تا شغل بهتری پیدا کند.
- ۱) جدا کردن، تقسیم کردن (۲) ترک کردن، دست برداشتن از
- ۳) دوست نداشتن (۴) به کلی سوزاندن

- ۴ ۲۶ من شخصاً فکر می‌کنم که امروز (هوا) برای بیرون رفتن بیش از حد سرد است.
- (۱) به‌طور خلاصه  
(۲) سابقاً، قبلاً  
(۳) به شدت، خیلی  
(۴) شخصاً؛ به‌طور شخصی
- ۳ ۲۷ ورزش جسمی می‌تواند از شما در مقابل بیماری‌های قلبی محافظت کند.
- (۱) خم کردن؛ خم شدن  
(۲) به وجود آوردن؛ خلق کردن  
(۳) محافظت کردن از  
(۴) بهبود یافتن؛ بهبود بخشیدن
- ۴ ۲۸ غذای او نمونه‌ی آشپزی ایرانی در حد اعلاي خود است.
- (۱) پیشنهاد کردن  
(۲) تجربه کردن  
(۳) حمایت کردن از  
(۴) نمونه‌ی ... بودن
- ۳ ۲۹ سیگار کشیدن احتمال سرطان گرفتن شما را افزایش می‌دهد.
- (۱) دستور دادن (به)؛ آموزش دادن (به)  
(۲) تولید کردن، ساختن  
(۳) افزایش یافتن، افزایش دادن  
(۴) آزاد کردن؛ ساطع کردن
- ۱ ۳۰ آن ماشین را نخر! موتورش به طرز کارآمدی کار نمی‌کند (خوب کار نمی‌کند).
- (۱) به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی  
(۲) با انعطاف، به‌طور قابل‌انعطافی  
(۳) به‌طور خلاصه  
(۴) سابقاً، قبلاً
- ۳ ۳۱ برنامه‌های ما باید به اندازه‌ی کافی انعطاف‌پذیر باشند تا نیازهای همه را تأمین کنند.
- (۱) بدنی، فیزیکی  
(۲) تکراری، یکنواخت  
(۳) انعطاف‌پذیر  
(۴) احساسی، عاطفی
- ۲ ۳۲ او خیلی فعالانه در تأسیس کتابخانه‌های محلی شرکت دارد.
- (۱) به‌طور مشابه، مثل هم  
(۲) فعالانه، به‌طور فعالی  
(۳) سابقاً، قبلاً  
(۴) ساکت، به آرامی
- خود قید actively (فعالانه، به‌طور فعالی) در کتاب درسی نیامده، ولی صفت active (فعال، پرجنب‌وجوش) در کتاب درسی به کار رفته است. در این سؤال این صفت پسوند -ly گرفته و به قید تبدیل شده است.
- ۲ ۳۳ شما باید شیوه‌ی کارآمدتری برای سازمان‌دهی زمان‌تان پیدا کنید.
- (۱) (مربوط به) پزشکی  
(۲) مؤثر، کارآمد  
(۳) مرکزی  
(۴) تکراری، یکنواخت
- ۳ ۳۴ هزینه‌ی پروژه از موقع ساخت آن به شدت افزایش یافته است.
- (۱) آزاد کردن؛ ساطع کردن  
(۲) کامل کردن، تکمیل کردن  
(۳) افزایش یافتن، افزایش دادن  
(۴) انجام دادن، اجرا کردن
- ۲ ۳۵ ما همه می‌دانیم که خانم اسمیت مدیر خوبی است و شرکتش را به طرز خیلی کارآمدی اداره می‌کند.
- (۱) سابقاً، قبلاً  
(۲) به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی  
(۳) مستقیم، صاف  
(۴) شخصاً؛ به‌طور شخصی
- ۴ ۳۶ شما وزن از دست خواهید داد و ضعیف خواهید شد مگر این‌که تمام مواد غذایی را که بدنتان نیاز دارد، دریافت کنید.
- (۱) کیفیت‌ها، ویژگی‌ها  
(۲) کارها، عملکردها  
(۳) کارها، اعمال  
(۴) مواد غذایی
- ۳ ۳۷ او نهایت سعی خود را کرد تا دستش را دراز کند که به آن سیب برسد، ولی نتوانست.
- (۱) حمل کردن، بردن  
(۲) افزایش یافتن، افزایش دادن  
(۳) دراز کردن، کش دادن  
(۴) آزاد کردن؛ ساطع کردن
- ۱ ۳۸ دو نفری که برای رسیدن به توافق با هم صحبت می‌کنند، می‌توانند راحت‌تر به هدفشان برسند اگر کمی انعطاف‌پذیر باشند.
- (۱) انعطاف‌پذیر  
(۲) ذهنی، روانی  
(۳) سالم، تندرست  
(۴) سربلند؛ مغرور



## Cloze Test

سومین بخش از سؤالات زبان دفترچه‌ی عمومی کنکور، کلوژ تست است. در این بخش، یک متن کوتاه آورده می‌شود که پنج کلمه از آن افتاده و باید از بین گزینه‌ها کلماتی را که برای پر کردن جاهای خالی مناسب هستند انتخاب کنیم. از بین پنج سؤال این قسمت، در کنکورهای سراسری معمولاً یک یا دو سؤال مربوط به گرامر است. مهم‌ترین مباحث گرامری که در این بخش از آن‌ها سؤال طرح می‌شود عبارتند از:

حروف ربط (درس‌های ۱، ۵، ۶ و ۷ پیش‌دانشگاهی)، جمله‌واره‌ی وصفی و عبارت وصفی (درس ۳ پیش‌دانشگاهی)، معلوم و مجهول (درس ۶ سال سوم) و زمان‌ها (زبان پایه). البته گاهی اوقات سؤالات گرامری این قسمت مربوط به مباحث و نکاتی هستند که در توضیحات گرامری کتاب درسی آورده نشده‌اند، پس نباید هیچ گزینه‌ای را بدون بررسی کامل کنار بگذاریم. به عنوان مثال، کلمه‌ی *therefore* (بنابراین، در نتیجه) یک حرف ربط است که در مباحث گرامری کتاب درسی بررسی نشده، ولی در متن کتاب به کار رفته و معنی آن را می‌دانیم. اگر این‌گونه کلمات در بین گزینه‌ها بیابند، غالباً با توجه به معنی‌شان می‌توانیم درست یا غلط بودن آن‌ها را تشخیص بدهیم.

### نکات مهم

• بهترین راه برای جواب دادن به سؤالات کلوژ تست این است که قبل از این‌که شروع به پر کردن جاهای خالی کنیم، یک بار سریع متن را بخوانیم. در این مرحله نباید به گزینه‌ها نگاه کنیم و باید سعی کنیم بدون در نظر گرفتن جاهای خالی، موضوع و مفهوم کلی متن را متوجه شویم. جمله‌ی اول متن بیشترین اهمیت را در درک موضوع متن دارد، پس باید به این جمله بیشتر از بقیه‌ی جملات دقت کنیم.

ممکن است به نظر برسد که این کار وقت زیادی می‌گیرد و در جلسه‌ی کنکور وقت کافی برای انجام آن نداریم. شاید در ابتدا این‌طور باشد، ولی اگر در این زمینه تمرین کافی داشته باشیم، می‌بینیم که خواندن اجمالی متن بیشتر از چند ثانیه وقتمان را نمی‌گیرد. یادتان باشد که هدف از این مرحله، درک موضوع و مفهوم کلی متن است و قرار نیست معنی تک‌تک کلمات و جملات متن را متوجه شویم. پس نباید به جزئیات گیر بدهیم و فقط باید یک بار متن را سریع و به صورت روزنامه‌وار بخوانیم.

• موقع خواندن متن، به هیچ عنوان نباید در نقطه‌چین توقف کرده و سراغ گزینه‌ها برویم. باید جمله‌ی نقطه‌چین‌دار را تا آخر بخوانیم، حتی اگر بیشتر از یک نقطه‌چین در جمله آمده باشد. اگر جمله را تا آخر نخوانیم، احتمال خطا در درک معنی جمله و تشخیص گزینه‌ی صحیح خیلی بالا می‌رود. علاوه بر این، گاهی اوقات در ادامه‌ی جمله که بعد از نقطه‌چین آمده، حرف اضافه یا نشانه‌ی خاصی می‌آید که جواب صحیح را به ما نشان می‌دهد.

• بعضی از سؤالات کلوژ تست مستقل هستند؛ یعنی اطلاعاتی که در جمله‌ی نقطه‌چین‌دار آمده برای پیدا کردن جواب صحیح کافی است. با چنین سؤالاتی باید مثل سؤالات واژگان یا گرامر برخورد کنیم و با توجه به اطلاعات خود جمله، جواب صحیح را پیدا کنیم. ولی جواب بعضی از سؤالات به اطلاعاتی که در سایر جملات متن آمده بستگی دارد. ممکن است اطلاعات لازم برای رسیدن به جواب صحیح در جملات جلوتر آمده باشد. پس باید آماده باشیم که در صورت لزوم بعضی از سؤالات را موقتاً رها کنیم و ادامه‌ی متن را بخوانیم تا اطلاعات لازم را به دست بیاوریم و بعد، برگردیم و به سؤالات باقیمانده جواب بدهیم.

• استفاده از روش حذف گزینه می‌تواند در پاسخ دادن به سؤالات کلوژ تست خیلی برایمان مفید باشد. وقتی بین چند گزینه شک داریم، می‌توانیم آن‌ها را یکی‌یکی در جای خالی بگذاریم و گزینه‌های نادرست را خط بزنیم تا به جواب صحیح برسیم.

• در این کتاب برای هر درس از کتاب پیش‌دانشگاهی یک متن کلوژ تست آورده شده است. با در نظر داشتن نکاتی که توضیح داده شد، این متن‌ها را بخوانید و پاسخ تشریحی آن‌ها را بررسی کنید تا مهارت لازم برای جواب دادن به سؤالات این بخش را کسب کنید.

**Printing with movable type was invented in Europe about five centuries ago. No one is sure who invented it. John Gutenberg, who lived in Germany was .....<sup>1</sup>.... one of the earliest printers to use movable types. The inventor of printing did not inform his great .....<sup>2</sup>.... probably .....<sup>3</sup>.... he did not want anybody to know that his books were not done by hand. In those days people .....<sup>4</sup>.... that everything was better if it was done by hand. A .....<sup>5</sup>.... part of an early printer's work was making the many letters that were needed. To set up in type a page like this, for instance, would take 292 e's.** آزمایشی سنجش دی ۸۹

- |                 |              |                |              |
|-----------------|--------------|----------------|--------------|
| 1. 1) certainly | 2) regularly | 3) carefully   | 4) similarly |
| 2. 1) injury    | 2) discovery | 3) possibility | 4) quality   |
| 3. 1) whether   | 2) when      | 3) while       | 4) because   |
| 4. 1) defined   | 2) referred  | 3) thought     | 4) organized |
| 5. 1) difficult | 2) flexible  | 3) reasonable  | 4) straight  |







## Reading Comprehension

آخرین بخش از سؤالات زبان دفترچه‌ی عمومی کنکور، درک مطلب است. در کنکورهای سراسری، در این قسمت دو متن آورده می‌شود که هر یک از آن‌ها معمولاً ۴ یا ۵ سؤال دارند. یعنی مجموعاً ۸ یا ۱۰ سؤال از ۲۵ سؤال درس زبان، مربوط به درک مطلب است. این موضوع اهمیت بالای این بخش را نشان می‌دهد و از طرف دیگر، دغدغه‌هایی را برای داوطلبان به وجود می‌آورد، چون اگر بر مهارت‌ها و تکنیک‌های متن‌خوانی تسلط کامل نداشته باشیم، پاسخ دادن به دو متن درک مطلب در مدت زمان کوتاهی که کنکور در اختیارمان می‌گذارد واقعاً دشوار است. ولی اگر روش صحیح متن‌خوانی را یاد بگیریم و با تمرین زیاد، مهارت‌های لازم را کسب کنیم، به راحتی می‌توانیم به تمام سؤالات درک مطلب جواب بدهیم.

دو دغدغه‌ی مهم داوطلبان کنکور در مورد درک مطلب، طولانی بودن متن‌ها و وجود لغات ناآشنا در متن‌ها است که معمولاً مشکلاتی مانند کمبود وقت و عدم درک صحیح متن را برای داوطلبان به دنبال دارند. برای جواب دادن به سؤالات درک مطلب، باید یاد بگیریم که چطور این مشکلات را پشت سر بگذاریم.

### طولانی بودن متن‌ها

لازم نیست کل متن را کلمه به کلمه بخوانیم و معنی دقیق تمام جملات را متوجه شویم. قرار نیست از تک‌تک جملات متن سؤال طرح شود. اگر این‌طور بود، باید بعد از هر متن ۲۵ تا سؤال می‌آمد، نه ۵ تا! فقط از قسمت‌های خاصی از متن سؤال آورده می‌شود و برای پاسخ دادن به سؤالات، باید بتوانیم این قسمت‌های خاص را در متن پیدا کنیم؛ یعنی باید یاد بگیریم که متن را هدف‌مند بخوانیم و فقط به قسمت‌های مهم آن توجه کنیم. جلوتر در مورد این مهارت مهم بیشتر صحبت می‌کنیم.

### وجود لغات ناآشنا در متن‌ها

یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که در کنکور مورد سنجش قرار می‌گیرد، توانایی درک کلی متن علی‌رغم وجود کلمات ناآشنا است. فرض کنید یک یادداشت مهم به دست شما رسیده که بعضی از کلمات آن بدخط و ناخوانا نوشته شده‌اند. در چنین موقعیتی چه کار می‌کنید؟ مشخص است که به خاطر ناخوانا بودن چند لغت، این یادداشت مهم را دور نمی‌اندازید. شروع به خواندن یادداشت می‌کنید و وقتی به یک کلمه‌ی ناخوانا رسیدید، اگر آن کلمه مهم نبود از روی آن می‌پرید و آن را نادیده می‌گیرید، ولی اگر مهم بود و درک موضوع و مفهوم یادداشت به آن کلمه بستگی داشت، کلمات و جملات اطراف را می‌خوانید و سعی می‌کنید معنی آن کلمه‌ی ناخوانا را حدس بزنید.

لغات ناآشنای متن‌های کنکور هم همین‌طور هستند. مهم‌ترین چیزی که برای برخورد با این لغات باید بدانید این است که تمام لغات ناآشنای متن از لحاظ اهمیت در یک سطح نیستند. از این دیدگاه، می‌توانیم لغات ناآشنای متن‌های کنکور را به دو دسته تقسیم کنیم:

دسته‌ی اول لغاتی هستند که ندانستن معنی آن‌ها خللی در درک متن ایجاد نمی‌کند. حدود ۹۰٪ از لغات ناآشنای متن‌های کنکور در این دسته قرار می‌گیرند. اگر معنی این لغات را متوجه نشویم، شاید بعضی از جملات متن برایمان کمی مبهم باشند، ولی با این حال می‌توانیم موضوع اصلی متن را متوجه شویم و اطلاعات لازم را برای جواب دادن به سؤالات به دست بیاوریم. این لغات ناآشنا معمولاً در جملاتی هستند که مستقیماً از آن‌ها سؤال طرح نشده است و نیازی به دانستن معنی آن‌ها نداریم. پس باید خونسردی‌مان را حفظ کنیم، خیلی راحت از روی این لغات بپریم و سعی کنیم معنی کلی جملات و پاراگراف‌ها را درک کنیم.

دسته‌ی دوم لغاتی هستند که حداقل درک معنی تقریبی آن‌ها ضروری است؛ مثلاً به این دلیل که لغت مورد نظر در متن چند بار تکرار شده و درک معنی بعضی از جملات تأثیرگذار متن به فهمیدن معنی این لغت بستگی دارد، یا به این دلیل که از لغت مورد نظر سؤال طرح شده و برای جواب دادن به آن، به معنی این لغت نیاز داریم. تعداد این‌گونه لغات در متن‌های کنکور خیلی زیاد نیست و حدود ۱۰٪ از لغات ناآشنای متن در این دسته قرار دارند. وقتی چنین لغتی را می‌بینیم، باید سعی کنیم معنی تقریبی آن را حدس بزنیم. برای این کار می‌توانیم از لغات اطراف آن و مفهوم کلی جمله و پاراگراف استفاده کنیم. بعضی وقت‌ها هم خود نویسنده ما را برای حدس زدن معنی یک لغت ناآشنا راهنمایی می‌کند؛ مثلاً آن لغت را تعریف می‌کند یا توضیحی در مورد آن می‌دهد که کارمان را راحت‌تر می‌کند.

### نحوه‌ی پاسخ‌گویی به سؤالات درک مطلب

روشی که برای برخورد با سؤالات درک مطلب کنکور ارائه می‌کنیم از سه مرحله تشکیل شده است که با تمرین و تسلط بر آن، می‌توانیم با صرف حداقل زمان، به حداکثر نتیجه دست پیدا کنیم.

#### مرحله‌ی ۱: خواندن صورت سؤالات

قبل از این‌که شروع به خواندن متن کنیم، باید نگاهی به صورت سؤالات ببندیم (فقط صورت سؤالات، نه گزینه‌ها). دلیل این کار این است که همان‌طور که قبلاً گفتیم، فقط از قسمت‌های خاصی از متن سؤال طرح می‌شود و تمام اطلاعاتی که در متن ارائه شده به دردمان نمی‌خورد. خواندن صورت سؤالات به ما کمک می‌کند که متن را هدف‌مند بخوانیم؛ یعنی به ما نشان می‌دهد که هنگام مطالعه‌ی متن، باید به چه نکات و موضوعاتی دقت داشته باشیم. این روش مخصوصاً برای جواب دادن به سؤالاتی که در مورد جزئیات متن هستند می‌تواند خیلی برایمان مفید باشد.

● در صورت بعضی از سؤالات، یک سری کلمات کلیدی آمده که باید آن‌ها را در ذهن داشته باشیم و دورشان خط بکشیم تا هنگام مطالعه‌ی متن، به دنبال آن کلمات یا کلماتی که همان مفهوم را بیان می‌کنند بگردیم و اطلاعات لازم را برای پاسخ دادن به سؤال مورد نظر به دست بیاوریم.

### مرحله ۲: خواندن متن

بعد از خواندن صورت سؤالات، شروع به خواندن متن می‌کنیم. حالا تقریباً می‌دانیم که چه سؤالاتی قرار است از ما پرسیده شود و باید به چه چیزهایی در متن دقت کنیم. لازم نیست معنی دقیق همه‌ی جملات متن را متوجه شویم؛ فقط کافی است مفهوم پاراگراف‌ها را بفهمیم و به نکات مهم دقت کنیم.

● موقع خواندن متن، باید دور اطلاعات مهم خط بکشیم تا در صورت نیاز، راحت‌تر بتوانیم آن‌ها را پیدا کنیم. این اطلاعات مهم دو دسته‌اند: دسته‌ی اول اطلاعاتی هستند که مربوط به کلمات کلیدی صورت سؤالات هستند و می‌دانیم که قرار است در این مورد از ما سؤال پرسیده شود. دسته‌ی دوم اطلاعات خاصی هستند که احتمال سؤال آمدن از آن‌ها وجود دارد؛ مثلاً اعداد، اسم شهرها، آثار یک نویسنده، اختراعات یک مخترع و غیره. با تمرین زیاد و خواندن متن‌های متعدد، تشخیص نکاتی که پتانسیل طرح سؤال از آن‌ها وجود دارد، برایتان راحت می‌شود.

● حالا که صورت سؤالات را خوانده‌ایم و در حال مطالعه‌ی متن هستیم، ممکن است بتوانیم در همین مرحله به بعضی از سؤالات ساده جواب بدهیم؛ مثلاً سؤالاتی که در متن، زیر یک کلمه خط کشیده می‌شود و معادل آن کلمه از ما خواسته می‌شود، یا سؤالاتی که در متن، زیر یک ضمیر خط کشیده می‌شود و از ما پرسیده می‌شود که این ضمیر به چه کلمه‌ای برمی‌گردد. در این‌گونه سؤالات، وقتی به کلمه‌ای که زیر آن خط کشیده شده رسیدیم و جمله‌ی مربوط به آن را خواندیم، می‌توانیم به سؤال مربوط به آن جواب دهیم و لازم نیست تا آخر متن را بخوانیم.

### مرحله ۳: پاسخ دادن به سؤالات

احتمالاً بعضی از سؤالات ساده را در مرحله‌ی قبل جواب داده‌ایم و حالا باید به سراغ سؤالات باقیمانده برویم. معمولاً ترتیب سؤالات به ترتیب اطلاعات متن است (به‌خصوص در مورد سؤالاتی که مربوط به جزئیات متن هستند). یعنی مثلاً اگر سه سؤال در مورد جزئیات یک متن طرح شده باشد، پاسخ سؤال اول در اوایل متن، پاسخ سؤال دوم در اواسط متن، و پاسخ سؤال آخر در اواخر متن آمده است. این موضوع و نشانه‌هایی که در مرحله‌ی قبل در متن برای خودمان گذاشته‌ایم و خط‌هایی که دور نکات مهم کشیده‌ایم، می‌تواند در پیدا کردن جواب سؤالات در متن به ما کمک کند.

● برای جواب دادن به سؤالات دشوار می‌توانیم از روش حذف گزینه استفاده کنیم. اگر بتوانیم با این روش مثلاً دو گزینه را خط بزنیم، شانس مان برای پیدا کردن گزینه‌ی صحیح دو برابر می‌شود.

● لازم نیست سؤالات را به ترتیب جواب بدهیم. بهتر است از سؤالات ساده شروع کنیم و سؤالات دشوار را برای آخر بگذاریم. می‌توانیم نقاط ضعف و قوت خود را در متن‌های تمرینی شناسایی کنیم و در کنکور، اول به سؤالاتی جواب بدهیم که تسلط بیشتری به آن‌ها داریم و پاسخ دادن به آن‌ها برایمان راحت‌تر است. معمولاً سؤالاتی که در صورت آن‌ها کلمات کلیدی زیادی آمده است سؤالات آسان‌تری هستند چون در مرحله‌ی دوم که مشغول خواندن متن بوده‌ایم، اطلاعات مربوط به این سؤالات را در متن پیدا کرده‌ایم و آن‌ها را علامت زده‌ایم.

● در این کتاب برای هر درس از کتاب پیش‌دانشگاهی دو متن درک مطلب آورده شده است. با استفاده از مراحل سه‌گانه که برای جواب دادن به سؤالات درک مطلب توضیح داده شد، این متن‌ها را بخوانید و پاسخ تشریحی آن‌ها را بررسی کنید. روی اشکالات خود کار کنید. از اشتباهاتتان ساده نگذردید! وقتی یک سؤال را اشتباه جواب دادید، علت اشتباه خود را پیدا کنید. داشتن تمرین زیاد در این زمینه، نقاط ضعفتان را به شما نشان می‌دهد و فرصت برطرف کردن ضعف‌هایتان را در اختیارتان می‌گذارد.

## متن اول

**Our bodies are wonderful machines. They are far more wonderful than any machines that men have ever built. Like all living things, they are made of tiny blocks of living material called cells. The cells are made of protoplasm. Protoplasm is a strange substance. Scientists know what elements it has in it, but they cannot put these elements together to make it.**

**There are billions of cells in a person's body. They are so tiny that no one can see them without a microscope. The cells are not all alike. There are many different kinds. Our muscles are very different from our bones because they are made of different kinds of cells. Our brains are not at all like our stomachs because the cells in them are not alike. Some parts of our bodies are made of cells of several different kinds.**

آزمایشی سنجش آذر ۸۹

1. The passage is mainly about .....

- |                       |                          |
|-----------------------|--------------------------|
| 1) living things      | 2) human body            |
| 3) wonderful machines | 4) questions and answers |

2. The pronoun "they" in the 2<sup>nd</sup> line refers to .....

- |               |        |             |                  |
|---------------|--------|-------------|------------------|
| 1) our bodies | 2) men | 3) machines | 4) living things |
|---------------|--------|-------------|------------------|

3. Scientists, according to the passage, .....

- 1) have made our bodies
- 2) know nothing about human body
- 3) have invented strange substances
- 4) don't know enough to make a human body

4. The cells, in a person's body .....

- 1) are the same in the muscles and bones
- 2) can be seen like the blocks in a building
- 3) can only be found in the muscles
- 4) are not all the same

5. Different parts of our bodies are different because .....

- 1) their cells are different
- 2) only some of them have cells
- 3) some parts are bigger than others
- 4) some people are stronger than others

پاسخ متن اول

بدن های ما دستگاه های شگفت انگیزی هستند. آن ها بسیار شگفت انگیزتر از هر دستگاهی هستند که بشر تاکنون ساخته است. مثل تمام موجودات زنده، آن ها از تکه های بسیار کوچکی از ماده ی زنده به نام سلول ساخته شده اند. سلول ها (نیز) از پروتوپلاسم ساخته شده اند. پروتوپلاسم، ماده ی عجیبی است. دانشمندان می دانند که چه عناصری در خود دارد، اما آن ها نمی توانند با ترکیب کردن این عناصر آن را بسازند. در بدن یک شخص میلیاردها سلول وجود دارد. آن ها آن قدر ریز هستند که هیچ کس نمی تواند آن ها را بدون میکروسکوپ ببیند. تمام سلول ها یکسان نیستند. آن ها انواع بسیار مختلفی دارند. ماهیچه های ما با استخوان های ما بسیار متفاوت هستند چون از نوع متفاوتی از سلول ساخته شده اند. مغز ما به هیچ وجه شبیه معده ی ما نیست چون سلول های درون آن ها یکسان نیستند. بعضی از بخش های بدن ما از چندین نوع مختلف سلول ساخته شده اند.

این متن عمدتاً در مورد ..... است. **۱ ۲**

۱) موجودات زنده ۲) بدن انسان ۳) دستگاه های شگفت انگیز ۴) سؤال ها و پاسخ ها  
در سؤالاتی که موضوع اصلی متن را می پرسند، معمولاً مطمئن ترین راه این است که از روش حذف گزینه استفاده کنیم. در بیشتر سؤالات این تیبی، حداقل دو تا از گزینه های غلط، خیلی مشخص هستند و به راحتی می توانیم آن ها را حذف کنیم. گزینه های غلط این جور سؤالات معمولاً یکی از این سه حالت را دارند: ۱- بیش از حد جزئی ۲- بیش از حد کلی ۳- بی ارتباط با متن!  
مثلاً در همین سؤال، گزینه ی ۳ بیش از حد جزئی است؛ یعنی فقط در یک قسمت کوچک متن به آن اشاره شده نه کل متن. گزینه ی ۱ بیش از حد کلی است؛ یعنی می تواند این متن به علاوه ی چند متن دیگر را دربرگیرد. گزینه ی ۴ هم که اصلاً ارتباطی با متن ندارد و راحت تر از همه حذف می شود.  
ضمیر they در خط دوم به ..... اشاره دارد. **۱ ۲**

۱) بدن های ما ۲) انسان ها ۳) دستگاه ها ۴) موجودات زنده  
برای پیدا کردن مرجع ضمیر، می توانیم گزینه ها را یکی یکی جای ضمیری که زیر آن خط کشیده شده بگذاریم و ببینیم که کدام یک از نظر معنایی به جمله ی ما می خورد. کلمه ی cell که آخر جمله آمده هم به ما کمک می کند که بفهمیم ضمیر they در این جمله به our bodies برمی گردد.  
دانشمندان، طبق متن، ..... **۴ ۳**

۱) بدن ما را ساخته اند ۲) هیچ چیز در مورد بدن انسان نمی دانند  
۳) مواد عجیبی اختراع کرده اند ۴) برای ساختن بدن انسان به اندازه ی کافی نمی دانند  
جمله ی آخر پاراگراف اول، جواب این سؤال را به ما نشان می دهد. دو گزینه ی اول این سؤال را با اطلاعات خودمان هم می توانیم خط بزنییم و نیازی به متن نداریم. برای رد کردن گزینه ی ۳ هم می توانیم عبارت strange substance را در متن پیدا کنیم (اواسط خط سوم) و جمله ی آن را بخوانیم. می بینیم که این جمله و جمله ی بعد از آن، نادرستی گزینه ی ۳ را نشان می دهد.  
سلول ها در بدن یک فرد ..... **۴ ۴**

۱) در ماهیچه ها و استخوان ها یکسانند ۲) می توانند مثل بلوک ها در یک ساختمان دیده شوند  
۳) فقط در ماهیچه ها یافت می شوند ۴) همه یکسان نیستند  
در خط دوم پاراگراف دوم، گفته شده که سلول ها یکسان نیستند و انواع مختلفی دارند. این دقیقاً همان چیزی است که در گزینه ی ۴ این سؤال به آن اشاره شده است.

بخش های مختلف بدن ما متفاوت هستند، زیرا ..... **۱ ۵**

۱) سلول های آن ها متفاوت است ۲) فقط بعضی از آن ها سلول دارند  
۳) بعضی از بخش ها از بقیه بزرگ ترند ۴) بعضی از افراد از بقیه قوی تر هستند

در پاراگراف دوم متن، چند عضو بدن با هم مقایسه شده‌اند و گفته شده که دلیل متفاوت بودن این اعضا این است که سلول‌های متفاوتی دارند. این اطلاعات، درست بودن گزینه‌ی ۱ را نشان می‌دهد. این سؤال را با روش حذف گزینه هم به راحتی می‌توانیم جواب بدهیم. در متن در مورد گزینه‌های ۳ و ۴ حرفی زده نشده و گزینه‌ی ۲ را هم که با اطلاعات خودمان می‌توانیم رد کنیم، چون می‌دانیم که «همه‌ی» اعضای بدن ما سلول دارند، نه فقط بعضی از آنها!

### متن دوم

Even when asleep, the body needs energy. The more active a person is, the more energy the body uses. The energy comes from the chemical "burning" of carbohydrates, fats, proteins, and certain other substances such as alcohol.

The energy values of different foods can be measured by burning them in a special small oven called a calorimeter. Energy in food is often measured in calories. One kilocalorie, usually written as kcal or Calorie (with a capital C), is the amount of energy required to raise the temperature of one kilogram of water by 1° Celsius. In fact, the Calorie is a unit of heat, not energy. In the modern system of measurements, energy is measured in joules. (1 Calorie equals 4.2 kilojoules.) You can find the calorie content of almost any food by looking in a slimming magazine or book.

An adult needs, on average, a little under 3000 Calories a day. A manual worker would need 4000 or more, because of the energy used up in physical activity. Children, who are growing and are also very active, need extra Calories as well. As people become older, they need fewer Calories, partly because they are physically less active and partly because some of their body tissues become chemically less active.

سراسری هنر ۸۹

1. The best title for the passage is .....

- 1) Carbohydrates                      2) Energy and Food                      3) Fats and Proteins                      4) Chemical Burning

2. According to the passage, the energy values of foods can be measured by .....

- 1) chemicals    2) the use of boiling water  
3) the activity of the person    4) burning them in a calorimeter

3. The passage points out that Calorie is actually a unit of .....

- 1) heat    2) joules    3) energy    4) Celsius

4. Which of the following is likely to need fewer Calories?

- 1) adults    2) manual workers    3) women    4) old people

5. 12.6 kilojoules equal ..... Calories.

- 1) 1    2) 2    3) 3    4) 4

### پاسخ متن دوم

بدن حتی در هنگام خواب (هم) به انرژی نیاز دارد. هرچه یک فرد فعال‌تر باشد، بدن او انرژی بیشتری مصرف می‌کند. انرژی از سوختن شیمیایی کربوهیدرات‌ها، چربی‌ها، پروتئین‌ها و مواد خاص دیگری همچون الکل، به دست می‌آید.

ارزش انرژی غذاهای گوناگون را می‌توان با سوزاندن آنها در یک اجاق کوچک مخصوص که کالری‌سنج نام دارد، اندازه‌گیری کرد. انرژی موجود در غذاها اغلب برحسب کالری اندازه‌گیری می‌شود. یک کیلوکالری، که معمولاً به صورت kcal یا Calorie (با حرف C بزرگ) نوشته می‌شود، میزان انرژی مورد نیاز برای افزایش دادن دمای یک کیلوگرم آب به اندازه‌ی یک درجه‌ی سلسیوس می‌باشد. در واقع، کیلوکالری واحد (اندازه‌گیری) گرما است، نه انرژی. در سیستم مدرن اندازه‌گیری، انرژی برحسب ژول اندازه‌گیری می‌شود. (یک کیلوکالری برابر است با ۴/۲ کیلوژول). شما می‌توانید میزان کالری تقریباً هر غذایی را با نگاه کردن در یک مجله یا کتاب (مربوط به) رژیم لاغری پیدا کنید.

یک فرد بالغ به‌طور متوسط در روز به اندکی کمتر از ۳۰۰۰ کیلوکالری (انرژی) نیاز دارد. یک کارگر (که کار بدی انجام می‌دهد) به دلیل انرژی مصرف شده در فعالیت‌های جسمانی، به ۴۰۰۰ کیلوکالری (انرژی) یا بیشتر نیاز دارد. بچه‌ها نیز که در حال رشد هستند و خیلی فعال هم می‌باشند به کالری بیشتری نیاز دارند. هرچه افراد مسن‌تر می‌شوند، به کالری کمتری نیاز دارند، تا حدی به خاطر این‌که از لحاظ بدنی کم‌تحرك‌تر هستند، و تا حدی به این دلیل که برخی از بافت‌های بدن آنها از لحاظ شیمیایی کم‌تحرك‌تر می‌شوند.





## Grammar

### شکل فعل دوم در جمله

مبحث شکل فعل دوم در جمله در درس ۲ پیش‌دانشگاهی و درس‌های ۲ و ۴ سال سوم مورد بررسی قرار گرفته است. برای این‌که بتوانید با دقت و تمرکز بیشتری این مبحث را مطالعه کنید، تصمیم گرفتیم مهم‌ترین نکات مربوط به آن را در قالب یک درس در اختیارتان قرار دهیم. بنابراین با مطالعه‌ی این درس می‌توانید به سؤالات درس‌های ۲ و ۴ سال سوم هم در کنکور پاسخ دهید.

وقتی در یک جمله دو فعل پشت سر هم بیایند، زمان و شخص جمله روی فعل اول تأثیر می‌گذارد، ولی فعل دوم نه زمان می‌گیرد و نه شخص. شکل فعل دوم در جمله فقط بر اساس فعل اول تعیین می‌شود و می‌تواند به صورت «مصدر بدون to»، «فعل اِندار» یا «مصدر با to» باشد.

#### مصدر بدون to

بعد از افعال let (اجازه دادن) و make (مجبور کردن؛ باعث شدن) فعل دوم به صورت مصدر بدون to آورده می‌شود:

My father **let** me drive his car.

پدرم به من اجازه داد که ماشینش را برانم.

My mother **made** me clean my room.

مادرم مرا مجبور کرد که اتاقم را تمیز کنم.

#### فعل اِندار

افعالی که در زیر آمده‌اند، مهم‌ترین افعالی هستند که بعد از آن‌ها فعل اِندار به کار می‌رود:

avoid	خودداری کردن (از)، اجتناب کردن (از)	imagine	تصور کردن
consider	در نظر گرفتن، فکر کردن به	keep (on)	ادامه دادن
deny	انکار کردن، نپذیرفتن	mind	اهمیت دادن به، ناراحت شدن از
dislike	دوست نداشتن	miss	از دست دادن
enjoy	لذت بردن از	risk	ریسک کردن، خطر ... را پذیرفتن
finish	تمام کردن	spend	(وقت) صرف کردن
go on	ادامه دادن	suggest	پیشنهاد کردن

Children usually **enjoy** playing football.

بچه‌ها معمولاً از فوتبال بازی کردن لذت می‌برند.

She **spends** all her free time painting.

او تمام اوقات فراغتش را صرف نقاشی کردن می‌کند.

بلافاصله بعد از «حروف اضافه»، فعل به صورت اِندار نوشته می‌شود. چند نمونه از مهم‌ترین حروف اضافه در زیر آورده شده‌اند. حرف اضافه‌ی by که در اول این لیست آمده به معنی «به وسیله‌ی، از طریق» است و برای نشان دادن «شیوه و روش انجام کاری» استفاده می‌شود.

by - in - on - at - about - with - without - of - from - for - into - to ...

You can learn English **by** practicing a lot.

شما می‌توانید از طریق زیاد تمرین کردن، انگلیسی یاد بگیرید.

I'm tired **of** watching television; let's go for a walk.

من از تلویزیون تماشا کردن خسته شده‌ام؛ بیایید برویم قدم بزنیم.

#### مصدر با to

تعداد افعالی که بعد از آن‌ها مصدر با to می‌آید خیلی زیاد است، ولی نیازی به حفظ کردن این افعال ندارید. کافی است با افعالی که در سایر دسته‌ها آمده‌اند آشنا باشید. هر فعلی که در سایر قسمت‌ها ذکر نشده باشد، در دسته‌ی مصدر با to قرار دارد:

My teacher **advised** me to study more carefully.

معلمم به من توصیه کرد که با دقت بیشتری درس بخوانم.

I **want** to talk to you about something.

من می‌خواهم درباره‌ی چیزی با شما صحبت کنم.

بعد از «صفت» در جمله، فعل به صورت مصدر با to نوشته می‌شود. رایج‌ترین شکل کاربرد فعل بعد از صفت، ساختار زیر است:

It + to be + صفت + (for + مفعول) + to ...

It was very **interesting** for me to travel to Shiraz.

مسافرت به شیراز برای من خیلی جالب بود.

#### افعال دو دسته‌ای

بعد از فعل help (کمک کردن) فعل دوم هم می‌تواند به صورت مصدر با to بیاید و هم به صورت مصدر بدون to:

My friend **helped** me to carry / carry the heavy box.

دوستم به من کمک کرد آن جعبه‌ی سنگین را حمل کنم.



9. I'm really looking forward to ..... abroad by my company. سراسری خارج از کشور ۹۲  
 1) be sent                      2) being sent                      3) having sent                      4) have been sent
10. Billy's mother advised him ..... too near the lion's cage in the zoo. سراسری ریاضی ۹۰  
 1) not to go                      2) not go                      3) to not go                      4) does not go
11. Keep ..... until you get to the crossroad and then turn left. سراسری تجربی ۹۰  
 1) go                      2) to go                      3) going                      4) be going
12. Try ..... make your oral report too long. سراسری انسانی ۹۰  
 1) do not                      2) you not                      3) to not                      4) not to
13. Just imagine ..... in a country where it is always warm and sunny. What will you do? سراسری ریاضی ۸۹ و هنر ۸۷  
 1) lived                      2) living                      3) to live                      4) be living
14. Mother warned her son ..... the electric wires. They are dangerous. سراسری هنر ۸۹  
 1) not touching                      2) to not touch                      3) not to touch                      4) does not touch
15. We missed ..... her ride her horse last Friday. سراسری خارج از کشور ۸۹  
 1) watch                      2) watching                      3) to watch                      4) be watched
16. We have been advised not to risk ..... in these countries. سراسری خارج از کشور ۸۸  
 1) travel                      2) travelling                      3) travelled                      4) to travel
17. Tom asked me ..... tell anyone what had happened. سراسری تجربی ۸۷  
 1) not                      2) not to                      3) do not                      4) to not
18. You can find out somebody's phone number ..... in the directory. سراسری تجربی ۸۷  
 1) to look                      2) in looking                      3) by looking                      4) from looking
19. We don't want to risk ..... involved in a civil war. سراسری ریاضی ۸۷  
 1) become                      2) becoming                      3) of becoming                      4) to become
20. My father advised me and my brother ..... a used car. سراسری ریاضی ۸۶  
 1) do not buy                      2) not to buy                      3) we do not buy                      4) to not buying
21. I missed ..... the news on TV when I was traveling abroad. سراسری تجربی ۸۶  
 1) watched                      2) to watch                      3) watch                      4) watching
22. Our teacher usually makes all the students ..... a lecture in the class. سراسری زبان ۸۶  
 1) give                      2) to give                      3) be given                      4) that they give
23. Jack had a car accident and could not avoid ..... the other car. سراسری خارج از کشور ۸۶  
 1) hit                      2) to hit                      3) hitting                      4) being hit

## پاسخ تست‌های گرامر

- ۱ ۳ برای هر دانش‌آموزی ضروری است که به موقع و آماده به کلاس بیاید.
- ۲ ۲ در این جمله از ساختار مقابل استفاده شده است:  
 سیمین به برادرش گفت که وقتی او دارد تکالیفش را انجام می‌دهد رادیو را روشن نکند.  
 بعد از tell فعل دوم به صورت مصدر با to می‌آید.
- ۳ ۱ آن برنامه‌ی تلویزیونی واقعاً خنده‌دار بود و باعث شد همه برای مدت زیادی بخندند.  
 بعد از make به معنی «مجبور کردن؛ باعث شدن» فعل دوم به صورت مصدر بدون to می‌آید.
- ۴ ۳ من اغلب از رفتن به خرید در تعطیلات آخر هفته خودداری می‌کنم چون مغازه‌ها خیلی شلوغ هستند.  
 بعد از avoid فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.
- ۵ ۳ آن دو مرد داشتن هرگونه اطلاعاتی را در مورد این‌که چه کسی به بانک دستبرد زده بود، انکار کردند.  
 بعد از deny فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.

... + مصدر با to + (مفعول + for) + صفت + to be + It



- ۲ ۶ علی شغلش را ترک کرد چون از این که روزهای متمادی کار یکسانی را انجام دهد خیلی خسته بود.
- بعد از حرف اضافه‌ی of فعل دوم به صورت ing دار می‌آید؛ یعنی یکی از گزینه‌های ۲ یا ۴. آمدن of بعد از doing در گزینه‌ی ۴ باعث نادرستی این گزینه می‌شود و فقط گزینه‌ی ۲ می‌تواند برای تکمیل این جمله مناسب باشد.
- ۳ ۷ من تعجب کردم که او بدون خداحافظی کردن با کسی رفت.
- بعد از حرف اضافه‌ی without باید از فعل ing دار استفاده کنیم. گزینه‌های ۳ و ۴ هر دو به صورت ing دار آمده‌اند، با این تفاوت که گزینه‌ی ۳ معلوم است و گزینه‌ی ۴ مجهول. با توجه به این که در این جمله she انجام‌دهنده‌ی عمل خداحافظی کردن است نه این که کسی با او خداحافظی کرده باشد، باید از فعل معلوم برای تکمیل این جمله استفاده کنیم. (مبحث معلوم و مجهول که یکی از مباحث مهم گرامری در کنکور است، در درس ۶ سال سوم توضیح داده شده است.)
- ۱ ۸ سرپرست برنامه به دانش‌آموزان توصیه کرد که از وقت تلف کردن برای خواندن مطالبی که قدیمی هستند اجتناب کنند.
- با این که این سؤال دو جای خالی دارد، فقط با بررسی جای خالی اول می‌توانیم به جواب صحیح برسیم و نیازی به جای خالی دوم نداریم. همان طور که در توضیحات درس گفتیم، شکل فعل دوم توسط فعل اول تعیین می‌شود. اگر در جمله بیشتر از دو فعل داشته باشیم هم هر فعل تابع فعل قبل از خود خواهد بود. یعنی شکل فعل سوم توسط فعل دوم، شکل فعل چهارم توسط فعل سوم و ... تعیین می‌شود. آمدن فعل advise قبل از جای خالی باعث می‌شود که فعل avoid به صورت مصدر با to نوشته شود. از طرف دیگر، فعلی که بعد از avoid می‌آید باید به شکل ing دار باشد و به همین دلیل فعل waste به این صورت آورده شده است.
- ۲ ۹ من واقعاً بی‌صبرانه منتظرم که توسط شرکت‌م به خارج از کشور فرستاده شوم.
- بعد از حرف اضافه‌ی to فعل دوم به صورت ing دار می‌آید؛ یعنی یکی از گزینه‌های ۲ یا ۳. فرق این دو گزینه در این است که گزینه‌ی ۲ مجهول است و گزینه‌ی ۳ معلوم. با توجه به این که ضمیر I که در ابتدای جمله آمده انجام‌دهنده‌ی عمل فرستادن نیست و این عمل روی آن انجام شده است، باید از فعل مجهول برای تکمیل این جمله استفاده کنیم.
- ۱ ۱۰ مادر بیلی به او توصیه کرد که در باغ وحش خیلی نزدیک قفس شیر نرود.
- بعد از advise فعل دوم به صورت مصدر با to می‌آید. همان طور که در توضیحات درس گفتیم، برای منفی کردن فعلی که به صورت مصدر با to آمده، قبل از آن not می‌آوریم. بنابراین not همیشه باید قبل از to باشد و to not غلط است.
- ۳ ۱۱ به رفتن ادامه بدهید تا به راه فرعی برسید و سپس به (سمت) چپ بپیچید.
- بعد از keep فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.
- ۴ ۱۲ سعی کنید گزارش شفاهی‌تان را بیش از حد طولانی نکنید.
- این سؤال از یک متن کلوز تست انتخاب شده است. بعد از فعل try هم می‌توانیم مصدر با to بیاوریم و هم فعل ing دار. البته این دو از لحاظ معنایی تفاوت‌هایی با هم دارند، ولی خوشبختانه در این سؤال اصلاً فعل ing دار در بین گزینه‌ها نیامده و نیازی به دانستن این تفاوت‌ها نداریم. دقت داشته باشید که برای منفی کردن مصدر با to، قبل از آن not می‌آوریم؛ یعنی not نباید بعد از to بیاید.
- ۲ ۱۳ فکرش را بکن در کشوری زندگی کنی که همیشه گرم و آفتابی است. چه کار می‌کنی؟
- بعد از imagine فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.
- ۳ ۱۴ مادر به پسرش هشدار داد که به سیم‌های برق دست نزند. آن‌ها خطرناک هستند.
- بعد از warn فعل دوم به صورت مصدر با to می‌آید که در این جمله به صورت منفی به کار رفته است.
- ۲ ۱۵ جمعه‌ی گذشته، تماشا کردن او در حال راندن اسبش را از دست دادیم.
- بعد از miss فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.
- ۲ ۱۶ به ما توصیه شده است که خطر مسافرت به این کشورها را نپذیریم (ریسک نکنیم و به این کشورها مسافرت نکنیم).
- بعد از risk فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.
- ۲ ۱۷ تام از من خواست به هیچکس نگویم که چه اتفاقی افتاده است.
- بعد از ask فعل دوم به صورت مصدر با to می‌آید که در این جمله به صورت منفی به کار رفته است.
- ۳ ۱۸ شما می‌توانید از طریق نگاه کردن در دفتر راهنما، شماره تلفن یک نفر را پیدا کنید.
- حرف اضافه‌ی by برای بیان شیوه و روش انجام کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد و بعد از آن فعل ing دار می‌آید.

۱۹ ۲ ما نمی‌خواهیم خطر درگیر شدن در یک جنگ داخلی را بپذیریم.

بعد از risk فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.

۲۰ ۲ پدرم به من و برادرم توصیه کرد که یک ماشین دست دوم نخریم.

بعد از advise فعل دوم به صورت مصدر با to می‌آید که در این جمله به صورت منفی به کار رفته است. عبارت me and my brother مفعول این

جمله است و بلند بودن این عبارت باعث شده بین فعل اول و دوم فاصله‌ی زیادی بیفتد.

۲۱ ۴ وقتی داشتم به خارج از کشور سفر می‌کردم، تماشا کردن اخبار در تلویزیون را از دست دادم.

بعد از miss فعل دوم به صورت ing دار می‌آید.

۲۲ ۱ معلم ما معمولاً همه‌ی دانش‌آموزان را وادار می‌کند که در کلاس سخنرانی کنند.

وقتی فعل make به معنی «مجبور کردن، وادار کردن» یا «باعث شدن» باشد، بعد از آن مصدر بدون to آورده می‌شود. با توجه به این‌که در این جمله

students انجام‌دهنده‌ی عمل سخنرانی کردن هستند نه این‌که کسی برای آن‌ها سخنرانی کند، این جمله به فعل معلوم نیاز دارد نه مجهول. بنابراین

گزینه‌ی ۳ نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد و گزینه‌ی ۱ را انتخاب می‌کنیم.

۲۳ ۳ جک با ماشین تصادف کرد و نتوانست از خوردن (ماشینش) به آن یکی ماشین اجتناب کند.

بعد از avoid فعل دوم به صورت ing دار می‌آید. گزینه‌های ۳ و ۴ هر دو به صورت ing دار آمده‌اند، با این تفاوت که گزینه‌ی ۳ معلوم است و گزینه‌ی ۴

مجهول. با توجه به این‌که در این جمله Jack انجام‌دهنده‌ی عمل خوردن به ماشین دیگر است، باید از فعل معلوم برای تکمیل این جمله استفاده کنیم.



Blank writing area with horizontal lines for practice.



## Vocabulary

### بخش ۱

<b>anxious</b> /adj.	مضطرب، نگران؛ مشتاق	<b>firmly</b> /adv.	محکم، سفت؛ قاطعانه
<b>atmosphere</b> /n.	اتمسفر، جو؛ محیط	<b>formation</b> /n.	تشکیل، شکل‌گیری
<b>audience</b> /n.	مخاطبان؛ شنوندگان؛ بینندگان	<b>gesture</b> /n.	حرکت سر و دست، ژست، حالت
<b>aware</b> /adj.	آگاه، مطلع	<b>introduce</b> /v.	معرفی کردن؛ عرضه کردن
<b>communication</b> /n.	ارتباط	<b>involvement</b> /n.	درگیری، شرکت؛ مشارکت
<b>concentrate</b> /v.	تمرکز کردن؛ متمرکز کردن	<b>natural</b> /adj.	طبیعی
<b>concentration</b> /n.	تمرکز	<b>occasion</b> /n.	مناسبت؛ موقعیت، فرصت
<b>confidence</b> /n.	اطمینان؛ اعتماد به نفس	<b>permission</b> /n.	اجازه؛ مجوز
<b>confident</b> /adj.	مطمئن؛ با اعتماد به نفس	<b>posture</b> /n.	حالت بدن، ژست
<b>distract</b> /v.	حواس ... را پرت کردن	<b>presentation</b> /n.	سخنرانی؛ ارائه، عرضه
<b>disturb</b> /v.	مزاحم ... شدن؛ ناراحت کردن	<b>projection</b> /n.	(صدا) رسایی؛ (نور و غیره) افکندن
<b>effective</b> /adj.	مؤثر، کارآمد	<b>provide</b> /v.	فراهم کردن، تأمین کردن
<b>emphasis</b> /n.	تأکید	<b>public</b> /adj. n.	عمومی، همگانی؛ مردم، عموم مردم
<b>emphasize</b> /v.	تأکید کردن (بر)	<b>raise</b> /v.	بالا بردن؛ پرورش دادن؛ بزرگ کردن
<b>evaluate</b> /v.	ارزیابی کردن، ارزشیابی کردن	<b>react</b> /v.	واکنش نشان دادن، عکس‌العمل نشان دادن
<b>expression</b> /n.	اصطلاح، عبارت؛ (چهره) حالت	<b>situation</b> /n.	وضعیت، شرایط
<b>facial</b> /adj.	(مربوط به) صورت، (مربوط به) چهره	<b>variety</b> /n.	تنوع، گوناگونی

### بخش ۲

<b>advice</b> /n.	توصیه، نصیحت	<b>lower</b> /v.	پایین آوردن، کم کردن
<b>anxiety</b> /n.	اضطراب، نگرانی	<b>message</b> /n.	پیام، پیغام
<b>balance</b> /n.	تعادل، توازن	<b>mood</b> /n.	حال، حوصله؛ حال و هوا
<b>based on</b>	بر اساس، بر مبنای	<b>movement</b> /n.	حرکت؛ جنبش، نهضت
<b>contact</b> /n.	ارتباط؛ تماس	<b>nervous</b> /adj.	عصبی؛ مضطرب، نگران
<b>cross</b> /v.	عبور کردن از، رد شدن از؛ (دست یا پا) روی هم انداختن	<b>nervousness</b> /n.	حالت عصبی؛ اضطراب، نگرانی
<b>decrease</b> /n. v.	کاهش؛ کاهش یافتن، کاهش دادن	<b>normally</b> /adv.	معمولاً، در حالت عادی
<b>difference</b> /n.	تفاوت، فرق	<b>overcome</b> /v.	غلبه کردن بر، پیروز شدن بر
<b>directly</b> /adv.	مستقیماً، مستقیم، یکراست	<b>pause</b> /n.	مکث، درنگ
<b>embarrassment</b> /n.	خجالت؛ دستپاچگی	<b>present</b> /v.	ارائه کردن، عرضه کردن
<b>emotion</b> /n.	احساسات، عاطفه	<b>respect</b> /n. v.	احترام؛ احترام گذاشتن به
<b>emotionless</b> /adj.	بی‌احساس، بی‌روح	<b>seriously</b> /adv.	جدی، به‌طور جدی؛ به شدت، جداً
<b>excitement</b> /n.	هیجان	<b>special</b> /adj.	مخصوص، ویژه
<b>formal</b> /adj.	رسمی	<b>speech</b> /n.	سخنرانی؛ بیان، گفتار
<b>get on</b> /phr v.	(با هم) تفاهم داشتن، کنار آمدن	<b>stance</b> /n.	حالت بدن، ژست؛ نقطه‌نظر
<b>humor</b> /n.	شوخی، شوخ‌طبعی	<b>succeed</b> /v.	موفق شدن؛ جانسپین ... شدن
<b>ignore</b> /v.	نادیده گرفتن	<b>volume</b> /n.	(شدت) صدا؛ حجم
<b>lean</b> /v.	تکیه دادن؛ خم شدن	<b>warn</b> /v.	هشدار دادن به، اخطار دادن به
<b>lecture</b> /n.	سخنرانی	<b>warning</b> /n.	هشدار، اخطار

## بخش ۳

act / n. v.	کار، عمل؛ عمل کردن	norm / n.	معیار، قاعده
as well	هم، نیز	number one / adj.	مهم‌ترین؛ درجه یک
as well as	و همچنین، علاوه بر	opening / adj.	آغازین، نخستین
at a time	هر دفعه، هر بار	point / n. v.	نقطه، نکته؛ اشاره کردن
bare / adj.	لخت، برهنه	positive / adj.	مثبت
bare infinitive / n.	مصدر بدون to	rank / n. v.	ردیف، رتبه؛ ردیف کردن
board / n.	تخته؛ تابلو	ranking / n.	رتبه‌بندی، مرتبه
clothing / n.	لباس؛ پوشش	rating / n.	ارزیابی، درجه‌بندی
comedian / n.	هنرپیشه‌ی کمدی	relationship / n.	ارتباط، رابطه
copy down / phr v.	رونویسی کردن	rewrite / v.	بازنویسی کردن
course / n.	دوره	second / n.	ثانیه
death / n.	مرگ	sense / n.	حس؛ احساس
distracting / adj.	مزاحم، مایه‌ی حواس‌پرتی	silence / n.	سکوت
effectively / adv.	به‌طور مؤثری، به طرز کارآمدی	silent / adj.	ساکت، آرام
form / v.	شکل دادن، به وجود آوردن، ساختن	smile / n. v.	لیخند؛ لیخند زدن
friendly / adj.	صمیمی، مهربان، دوستانه	state / n.	حالت، وضعیت؛ دولت؛ کشور؛ ایالت
from time to time	گاهی اوقات، گاه‌گاهی	suppose / v.	فرض کردن، تصور کردن
joke / n. v.	جوک، شوخی؛ شوخی کردن	take notes	یادداشت برداشتن
least / det.	کمترین	talk / n.	صحبت؛ سخنرانی
listener / n.	شنونده	tap / v.	آهسته زدن (به)، ضربه زدن (به)
main / adj.	اصلی، مهم	tone / n.	(صدا) تُن؛ لحن
manager / n.	مدیر؛ سرپرست	trustworthy / adj.	قابل اعتماد
manner / n.	شیوه؛ رفتار	unconfident / adj.	نامطمئن؛ فاقد اعتمادبه‌نفس
mathematics / n.	ریاضیات، ریاضی	uninterested / adj.	بی‌علاقه، بی‌تفاوت
mirror / n.	آینه		

## تست‌های واژگان

- Bahram is not a child anymore. It is time he ..... life more seriously. سراسری ریاضی ۹۴  
 1) made                      2) took                      3) put                      4) did
- Both Mr. and Mrs. Karimi are worried about their son because he does not take life ..... . سراسری تجربی ۹۴  
 1) regularly                      2) seriously                      3) emotionally                      4) comfortably
- If you go to any doctor, they will ..... the importance of good nutrition for your health. سراسری انسانی ۹۴  
 1) organize                      2) protect                      3) emphasize                      4) encourage
- The course is intended to help teachers learn how to communicate ..... with young learners. سراسری زبان ۹۴  
 1) exactly                      2) commonly                      3) effectively                      4) recently
- John liked to work with the radio playing and said it did not ..... him at all. سراسری خارج از کشور ۹۴  
 1) contact                      2) distract                      3) separate                      4) create
- The officials have sent out a ..... to all fishermen about the possibility of a big storm hitting the shore within the next 48 hours. سراسری تجربی ۹۳  
 1) warning                      2) ranking                      3) situation                      4) condition
- The terrible mistake I made in class was an unexpected one; it really ..... me at the time. سراسری انسانی ۹۳  
 1) embarrassed                      2) informed                      3) presented                      4) protected